

فهم معماران از سلیقه شهروندان در طراحی نمای بناهای مسکونی با تأکید بر «نظریه تمایز بوردیو»^۱

هدیه عادلی*، بهروز منصوری**، رضا افهمنی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۳/۱۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۲۰

چکیده

قشریندی‌های اجتماعی باعث به وجود آمدن تفاوت‌های پیچیده‌ای در میان اشار جامعه می‌شود که ما به تعیت از پیر بوردیو «تمایز» می‌گوییم. درنتیجه‌ی این تمایزها نماهای مختلفی در بناهای مسکونی طراحی می‌شود که سیمای شهر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تنوع سلیقه‌ها در طراحی نماهای مسکونی از سوی شهروندان موجب ایجاد ناهمگونی در سیمای شهری شده و گونه‌ای از عدم یکپارچگی و پیوستگی در مفاهیم مرتبط با معماری در حوزه نماهای شهری را به وجود آورده است. این پژوهش به تبیین فهم معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان در طراحی نمای بناهای مسکونی بر اساس نظریه تمایز بوردیو می‌پردازد. روش تحقیق این پژوهش از حیث هدف، کاربردی، از نوع کیفی و به لحاظ «قصد» از پژوهش، «تفسیری» است و سعی دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد که «چه عواملی بر شکل دادن سلیقه کارفرما و مصرف‌کننده در تولید و مصرف نمادین مسکن شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۴ تأثیرگذار بوده‌اند؟ و فهم معماران در مواجهه با سالایق مصرف‌کننده و کارفرما در طراحی نماهای مسکونی در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۴ چگونه بوده است؟» در تبیین متغیرهای پژوهش، سرمایه فرهنگی و سرمایه اقتصادی افراد متغیر مستقل و الگوی مصرف معمار را متغیر وابسته تعریف شده است. در این پژوهش با استفاده از مصاحبه با متخصصین، شاخص‌ها و متغیرهای مؤثر بر تبیین نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در مورد معماری مسکونی از متن مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردید، بنابراین «منطق» پژوهش «استقرائی» بوده و روش تحلیل داده‌ها نیز شامل کدگذاری باز و کدگذاری محوری است. این پژوهش نشان می‌دهد که دیدگاه اغلب معماران ایرانی در مورد مفهوم «سلیقه شهروندان در مورد بناهای مسکونی» را می‌توان در چهار صورت «سازه ساختمان»، «سازگاری نما با اقلیم»، «سازگاری نما با عملکرد بنا» و «زیبایی بصری نما» دسته‌بندی نمود که این الگوی مصرف متأثر از دو دسته‌ی کلی «سرمایه اقتصادی» و «سرمایه فرهنگی» است.

واژگان کلیدی

سلیقه، نما، بناهای مسکونی، نظریه تمایز بوردیو

* مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری نگارنده اول با موضوع «تبیین نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در مورد معماری مسکونی بر اساس نظریه تمایز بوردیو (مطالعه موردی نماهای ساختمان‌های مسکونی بین سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۸۴)» راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز در حال انجام است

1- گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

2- گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

3- گروه پژوهش هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مقدمه

یکپارچگی بصری و ساختاری مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و مکان‌های مرتبط است که محیط شهری را می‌سازد که همگی در شکل‌گیری هویت شهری نقش تأثیرگذاری دارند. به همین منظور بیشترین عنصر شکل‌دهنده‌ی هویت شهری، نمای بیرونی و جلوه‌ی بصری ساختمان‌ها است؛ که از مهم‌ترین عناصر زیبایی‌شناختی معماری به شمار می‌رود، اما از آنجایی که نیاز به مسکن یکی از نیازهای اولیه هر فردی است به همین منظور چگالی ساختمان‌های مسکونی بیشتر از سایر کاربری‌های دیگر است (آتشین صدف و خیری، ۱۳۹۶: ۳۷). لذا به نظر می‌رسد، بحث خطیر هویت شهری که در بالاترین سطح، متأثر از نمای ساختمانی است؛ بیشتر تحت تأثیر ساختمان مسکونی قرار گرفته که مستقیماً با ماهیت هنری معماری آن نیز در ارتباط است و لاجرم بیانگر سبک، کیفیت و فرهنگ زندگی فردی و جمعی است و در نگرشی کلانتر یکی از مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز هر جامعه‌ای محسوب می‌شود.(ایوبی و همکاران، ۱۳۹۳: ۹).

اما باید گفت که در دهه‌های اخیر، مردم تهران ۱۳۸۴-۱۳۹۸ به سبک در طراحی داخلی و کالبد مجتمع‌های مسکونی گرایش پیدا کرده و استفاده از این سبک به صورت روزافزون در حال افزایش می‌باشد(بورجعفر و علوی بالمعنى، ۱۳۹۱: ۱۷). این تغییر سلیقه و گرایش به مدهای متمول موجب وجود تنوع، ناهمگونی در نمای شهری در انواع رویکردهای سبکی، نوعی بی‌هویتی در مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی معماری و گونه‌ای از عدم یکپارچگی و بیوستگی در مفاهیم مرتبط با معماری در حوزه نمای شهری (خوانایی، نمایانی، ادراک ذهنی، تداوم و زیبایی‌شناختی بصری) را به وجود آورده است. (ترابزاده، ۱۳۹۴: ۸)

از سوی دیگر تمایزات اجتماعی ناشی از عدم تجانس در سرمایه‌ی فرهنگی که الگوهای مصرف متفاوتی را به وجود آورده، در کنار مدیریت شهری نابسامان و آشفته، درمجموع باعث شده است که سیمای شهری ظاهری آشفته و نابسامان داشته باشد(تیغ‌نورد، ۱۳۹۴: ۴۷)؛ که نتیجه‌ی این آشفتنگی و نابسامانی در حوزه‌ی سیمای شهری، اضحاک‌الال هویت شهری است؛ هویتی که در همه‌ی کشورهای متمدن و توسعه‌یافته برای حفظ آن تلاش‌های بی‌شماری می‌شود؛ دغدغه و محرك اصلی این پژوهش است که اختصاصاً به حوزه‌ی معماری و نمای بیرونی ساختمان‌های مسکونی ارتباط می‌باشد(جلودار و جهانبخش، ۱۳۹۵: ۱۸)؛ تا با جستجو در منابع و بررسی نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در ارتباط با طراحی نمای شهری مسکونی این شهر، این مهم را از زاویه نظریه تمایز «بی‌بوردیو» جامعه‌شناس مشهور فرانسوی مورد کنکاش قرار دهد (بوردیو، ۱۳۹۵) تا از نقطه‌نظر یک ساختارگر به شیوه‌هایی توجه نماید که فعالیت‌های روزمره عاملین را تا حدود زیادی تحت تأثیر تاریخ زندگی و ساخت عینی جهان اجتماعی قرار می‌دهد و این اعمال بدون این که تحت تأثیر هدفمندی‌های آن باشد ساخت سلسه مراتبی نابرابر را حفظ می‌کند. از همین رو سؤالات اصلی پژوهش این است که چه عواملی بر شکل دادن سلیقه کارفرمای و مصرف‌کننده در تولید و مصرف نمای مسکونی شهر تهران در بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۸ تأثیرگذار بوده‌اند؟ و فهم معماران در مواجهه با سلایق مصرف‌کننده و کارفرمای در طراحی نمای مسکونی در بازه زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸۴ چگونه بوده است؟

روش انجام پژوهش

این پژوهش از حیث هدف، کاربردی و از نوع کیفی است. در این پژوهش با استفاده از مصاحبه با متخصصین ابتدا تعاریف سلیقه به آن‌ها بازگو شده و سپس شاخص‌ها و متغیرهای مؤثر بر تبیین نقش معماران در مواجهه با سلیقه شهروندان تهران در مورد معماری مسکونی از متن مصاحبه‌های صورت گرفته استخراج گردید. دلایل علمی و حرفاًی انتخاب این افراد به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود.

۱. دارای سابقه اکادمیک و دانش مربوطه در خصوص مطالعه نمای شهر تهران باشند.
۲. دارای سابقه مدیریتی در خصوص اجرای نمای شهری بناهای مسکونی باشند.
۳. فعالیت‌های پژوهشی، دوره‌های آموزشی و فعالیت‌های جانبی داشته باشند.

در این مرحله از روش «کدگذاری باز» استفاده شد. این مرحله از روش نظریه داده بنیاد، بالاصله بعد از اولین مصاحبه انجام می‌شود. مراحل کدگذاری باز عبارت است از:

- کدگذاری توصیفی
- کدگذاری تفسیری

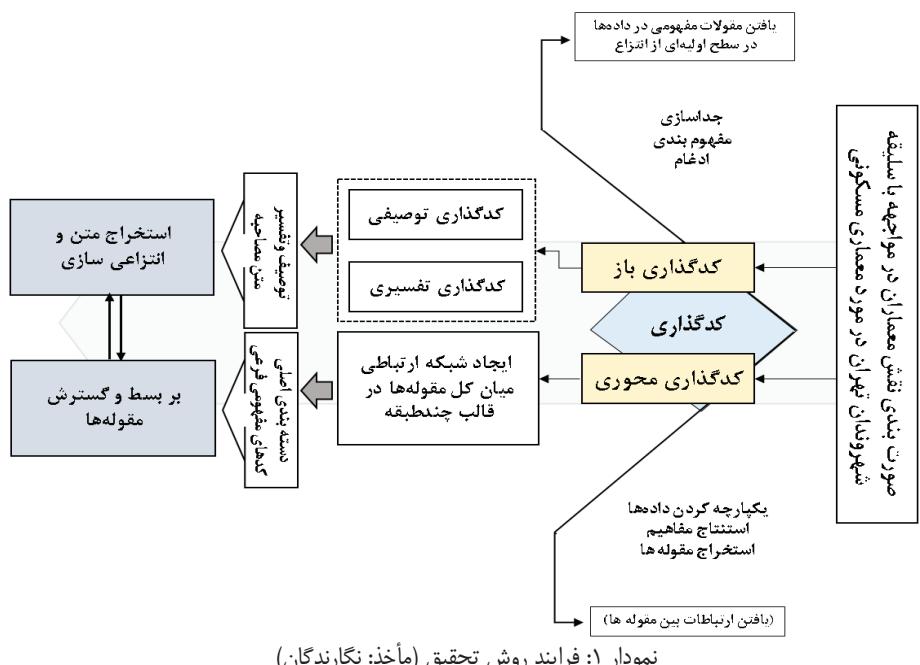
کدگذاری توصیفی: در این مرحله، هدف شناسایی قسمت‌هایی از داده‌های پیاده شده است که می‌توانند در پرداختن به سؤال پژوهش مفید باشند. در کدگذاری توصیفی بر تلاش برای «توصیف» چیزهایی که در گفته‌های مشارکت‌کننده حائز اهمیت است و نه «تفسیر» معنای آن‌ها تأکید می‌شوند. در رساله حاضر، پس از انجام مصاحبه، متن مصاحبه به‌طور کامل در نرم‌افزار Atlasti پیاده شد. نحوه کار با این نرم‌افزار به این

صورت بود که ابتدا در مرحله کدگذاری توصیفی، متن مصاحبه در جستجوی مضامین مرتبط با سوالات تحقیق، به صورت دقیق و کلمه به کلمه مطالعه شد و در هر نقطه از مصاحبه که مضامنی یافت می شد آن قطعه از مصاحبه انتخاب شده و یک مضمون توصیفی به آن نسبت داده می شد. شد. در ادامه نیز مصاحبه های بعدی مورد کدگذاری توصیفی قرار گرفتند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳).

کدگذاری تفسیری: سپس در این مرحله تلاش شد تا فراتر از «توصیفی» گفته های مصاحبه شونده عمل کرده و بر تفسیر معانی آنها تمرکز شود، درنتیجه از کدگذاری تفسیری استفاده شد. این کار عمدتاً با ترکیب کدهای توصیفی ای که به نظر می رسد یک معنای واحد را در خود دارند، انجام شد. در پژوهش حاضر در مرحله کدگذاری تفسیری، کدهای توصیفی تولید شده در مرحله قبل از طریق تفسیر معانی کدهای توصیفی و طی مقایسه مستمر چندباره آنها، در یکدیگر ادغام با در ذیل یکدیگر قرار گرفتند و بدین ترتیب کدهای توصیفی خوشه بندی شده، خوشه ها برای پاسخگویی به سوال پژوهش می باشند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳).

کدگذاری محوری: در این تحقیق کدگذاری محوری بر اساس استفاده از الگوی پارادایم صورت گرفته است؛ بنابراین دسته بندی های فرعی با دسته بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتب می شوند و هدف اصلی این است که محقق را قادر سازد تا به صورت نظاممند در مورد داده ها و مرتبط کردن آنها تفکر کند. دسته بندی اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) به عنوان پدیده تعریف می شود و سایر دسته بندی ها با این دسته بندی اصلی مرتبط می شوند. اساس این فرآیند، ارتباط دهنده در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش مقوله ها است؛ بنابراین، از فرآیندهای کدگذاری روش داده بنیاد مواد زیر به دست می آید:

ساخت مقولات اصلی با توجه به مقولات فرعی و ایجاد ارتباط میان آنها؛ ایجاد شبکه ارتباطی میان کل مقوله ها در قالب چندطبقه: همه مقوله ها (ازجمله فرعی و اصلی) در قالب «کدگذاری محوری» درباره یک مقوله محوری سامان می باشند (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۸۳).



مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نما: یکی از مهمترین اجزاء هر فضای شهری و به تبع آن منظر شهری، بدن های فضا است. بدن های عناصر عمودی محدود کننده فضا بوده که از سطوح عمود بر هم و رؤیت پذیر اجسام ساختمانی تشکیل می شوند (شهربازی و همکاران، ۱۳۹۹) و تصویر سه بعدی به ما ارائه می دهد (ابراهیمی میلانی، ۱۳۹۴). درواقع به کلیه سطوح قابل رؤیت ساختمان ها در اطراف یک فضای شهری بدن گفته می شود. هر بدن به نوبه خود کلیتی است مشکل از:

- الف- اجسام سخت (مصنوع یا ساختمن ها)
- ب- اجسام نرم (عناصر طبیعی یا گیاهان)

در طراحی شهری کلیه سطوح یا احجام تشکیل‌دهنده محدوده فضای بعنوان بدنه‌های شهری دیده می‌شوند. نما، در لغتنامه دهخدا صورت ظاهری هر چیزی، آنچه در معرض دید و برابر چشم است، منظر خارجی بنا و عمارت، فن روسازی ساختمان و ساخت نمای عمارت تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۳۴).

تعریف نما را در سه مقطع دسته‌بندی شده است:

الف- توجه به ظاهر ساختمان بعنوان آنچه دیده می‌شود. (منظر) (7) (Bagheri et al., 2020:

ب- توجه به نحوه ادراک بصری انسان بعنوان عاملی که می‌بیند. (نظر)

ج- توجه به اینکه نمای ساختمان نشان و مظهر چیست؟ (مظهر) (اکبری، ۱۳۹۶)

نما بخشی از ساختمان است که به‌گونه‌ای با زمین در ارتباط است و به طریقی با آسمان درگیر و خطوط زمین و آسمان بنا را تشکیل می‌دهد. (خاکزند و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۹). معمار معروف ویلیام لیسایی^۱ معتقد بود طراحی چهره عمومی بناها مسئله‌ای است مرتبط با حقوق شهرنشدنی و می‌گوید: «نمایش بد را می‌توان مطالعه نکرد، کتاب بد را می‌توان مطالعه نکرد، اما تنها کوری و یا بی‌حسی اجزاء قوه بصره می‌تواند ما را از ساختمان‌های واقع در خیابان حفاظت نماید» (بخشی، ۱۳۹۵: ۴۳).

سلیقه در معماری: واژه سلیقه در فرهنگ لغت فارسی معادل «پسند»، «طبع»، «سرشت» و به معنای «ذوق» برای «انتخاب کردن یا ترجیح دادن چیزی از میان سایر چیزها» می‌باشد. در فرهنگ لغت انگلیسی کمبریج، سلیقه به معنای «توانایی فرد برای قضاؤت و تشخیص خوب و مناسب بودن چیزی» تعریف شده است. اگر آغازی را بتوان برای شکل‌گیری در نظر گرفت «حس» می‌باشد که به مثابه «قوه قضاؤت» عمل می‌نماید (خاتمی و بوجاری، ۱۳۹۹: ۱۰۲). در قرن هجدهم میلادی واژه «استیک» در حوزه زیبایی‌شناسی قرار گرفته و با «میل داشتن» و «لذت بخشیدن» همراه شد. هنگامی که نسبت حسی با زیبایی‌شناسی به شناخت و تولید آثار معماری راه یافت، باعث پیوند عمیقی میان این عرصه‌ها گردید. (ایمانی و ظفرمندی، ۱۳۹۶: ۳۴). در مجموع سلیقه را می‌توان بین صورت تعریف نمود: «سلیقه عبارت است از وانمود کردن برآزندگی و آراستگی؛ با نگاه به رفتار و چهره فرد پرهیزکار می‌توان به سلیقه او پی برد.» (عیوضی و دیگران، ۱۳۹۵: ۵۵)

سلیقه هر انسان تابع عوامل مختلفی از جمله تربیت خانوادگی، دوستان و هم‌نشینان، فرهنگ عمومی جامعه و در یک نگاه کلی، محیط پیرامونی او می‌باشد. سلیقه به صورت مطلق وجود نداشته و در فرآیندی رفت و برگشته با محیط جامعه در هم می‌آمیزد (سجدی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹). در معماری به موضوع سلیقه فراتر از لذت بردن یا رضایت داشتن نگریسته می‌شود؛ زیرا عوامل مختلفی در آن تأثیر دارند که با عواملی نظری اخلاق، باورهای دینی - مذهبی و نگاه اجتماعی و سیاسی در هم می‌آمیزند. (Scruton, 2006: 13)

بازتاب سلیقه در معماری معاصر ایران: حکایت معماری این سرزمین، حکایت شیوه مواجهه دو فرهنگ ایرانی و شرقی و فرهنگ مغرب زمین و حکایت اندیشه‌هایی می‌باشد که به سیاحت غرب رفت، گاه آن را چشم و گوش بسته پذیرفته و گاه به‌گونه‌ای جزم اندیشانه به مقابله با آن برمی‌خیزند؛ گاه نیز در میان این دو سر طیف به دنبال آشتبه دادن برمی‌آیند؛ آن آشتبه که جای تأمل دارد. (افشاری نادری، ۱۳۹۳: ۱۸) در این میان معماران نسل اول همگی تحصیلات دانشگاهی داشته و عمدتاً به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند:

(۱) معماران خارجی

(۲) معماران ایرانی دانش‌آموخته در غرب

(۳) فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده‌های خارج در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شمسی

(۴) معماران ایرانی تحصیل کرده در ایتالیا (Attia et al., 2020: 3357)

اما از اواخر دهه ۳۰ شمسی، معماران جوان تر پژوهش یافته در ایران، به بازار کار وارد شده و از سوی دیگر افزایش جمعیت، رشد تصاعدی تقاضا را در معماری به‌ویژه در حوزه مسکن در پی داشت و معماران کم کم تن به خواسته‌های مشتریان می‌دادند (سجدی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹). افزایش روند ساخت‌وساز در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و ورود گسترش بخش خصوصی بدون تخصص به حوزه معماری، باعث رشد نوعی از ساخت‌وساز موسوم به «بسازبفروش» گردید که متأسفانه این سبک با همه مشکلات شناخته شده در درون خود، به همان دلیلی که به وجود آمد تا به امروز ادامه یافت (Calleri et al., 2018: 79) و حوزه نفوذ و گسترش این گونه از معماری در سال‌های پس از انقلاب سیر صعودی یافت. ورود معماران جدید یا نسل سوم معماران نیز نتوانست تأثیر چندانی بر این روند داشته باشد و در عمل بدنه اصلی فعالیت‌های ساختمانی در کشورمان را در دست گروههای غیرتخصصی و فاقد صلاحیت قرار گرفت. (پیربابایی و سلطانزاده، ۱۳۹۴: ۸۰)

سازوکار پاسخ به چنین تفکری پدیده‌ای به نام مد را به وجود می‌آورد و این همان چیزی است که نظریه پردازانی چون «زیمل^۲»، «الیاس^۳»، «پاکارد^۴» و «بوردیو^۵» از آن با عنوان «مدطبقاتی» یاد می‌کنند و مبنی بر این پیش‌فرض است که اعضای طبق اجتماعی خاص، بر اساس

ویژگی‌های خاص اجتماعی، اقتصادی و جایگاهی که در جامعه از خود سراغ دارند، کالاهايی را به تسخیر خود درآورده و خود را با آن باز می‌شناسانند (Esmaili et al., 2019: 71). «بولن^۶» رواج سلاطیق و هنجارهای طبقه ثروتمند را در همه طبقات اجتماعی تشریح می‌کند. به زعم او: از حیث آبرومندی، طبقه تن آسا در رأس ساختار اجتماعی قرار دارد (Veblen, 1961: 63). «دبور^۷» بر این عقیده است: «جامعه‌ای که بر صنعت مدرن متکی است، نمایشی بودنش اتفاقی یا سطحی نیست، چنین جامعه‌ای از بنیاد نمایش گراست؛ نمایش هیچ مقصود دیگری جز خودش ندارد.» (اکبری، ۱۳۹۶: ۱)

جدول ۱: تأثیر دگرگونی‌های فرهنگی معاصر ایران بر دگرگونی‌های معماری ایران (مأخذ: مظنمی و حجت، ۱۳۹۶)

نحوه‌های کلان تأثیرپذیری	نحوه‌های کلان تأثیرپذیری
به فراموشی سپردن و تخریب وسیع آنچه به گذشته مرتبط باشد.	•
سرکشی حقیرترین باورها و پندارها در برابر اصل ترین آن‌ها	•
سرگردانی و نوسان جامعه ایرانی در میان دو قطب سنت و نووارگی	•
تولید فرهنگ‌های شهری در تقابل با یکدیگر و در تعامل با فرهنگ‌های روسایی	دگرگونی بنیان‌های اندیشه‌ای
تمایل قشر متوسط برای تقليد	•
تولید نمونه‌های شاخص معماری در شرایط گلخانه‌ای اندیشه	•
جهانی شدن تمامی مسائل مربوط به شهر و معماری	•
ستجش همه‌چیز با غرب (خوب یا بد)	•
از دست دادن پیوند معماری با گذشته‌اش و پیروی از سبک‌ها و گرایش‌های جهانی	تعامل با الگوها و نسخه‌های دنیای غرب
رواج یافتن و بنیاد نهادن معماری وارдاتی، بردن توجه به گنجایش فرهنگی کشورمن	•
طرح‌شدن معماری از مفهوم کالا و نه مکان زندگی و شهر در حکم انبار کالا و نه بستر مدنیت	•
تبديل معماری ایرانی به عنوان یک هویت واحد به معماری‌ها در ایران یا به عبارتی «هویت کثیر»	•
خاور کوتاه‌مدت و افول سریع محله‌ها و چهره‌های گوناگون معماری	تحولات چهره و لحن معماری
اعمال سلیقه‌های شخصی معمار و یا پیروی وی از خواست و سلیقه کارفرما	•
خردگرایی و تلاش برای خلق اثری متفاوت با اطراف	•
رؤیاپردازی حاکم بر جامعه، از آن حاکمیت و مردم همواره دنباله‌رو (تا دهه ۴۰)	•
پویاسازی تک‌تک افراد در تقابل و تعارض با رویایی حاکمیت (از دهه ۴۰ به بعد)	قابل و تعامل اندیشه‌ای حاکمیت و مردم
عدم تطابق پیش‌بینی‌های فرهنگی در برنامه‌ریزی‌ها با آنچه در طول برنامه اتفاق می‌افتد.	•
تبليغ فرهنگ مورد قبول حاکمیت توسط کانون‌های تولید اندیشه و فرهنگ	•

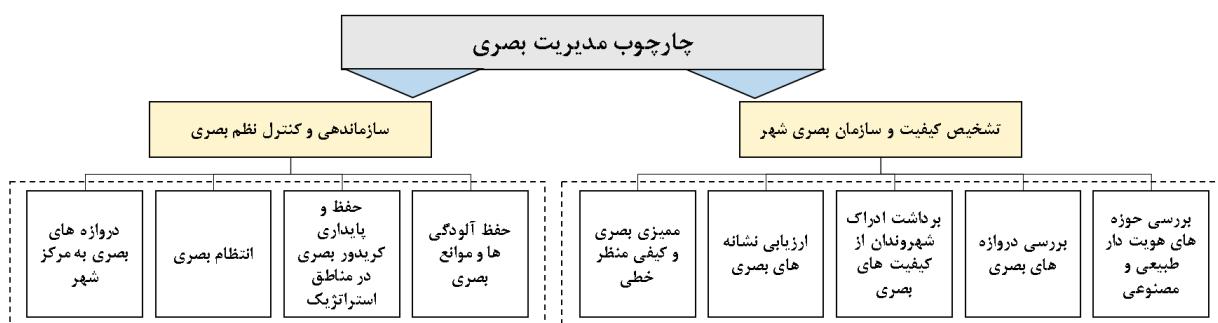
دیدگاه معماران در طراحی نمای ساختمان: نمای ساختمان بخشی مهم از منظر خرد بوده که تأثیر زیادی بر ادراک زیبایی‌شناسانه افراد نسبت به محیط شهری پیرامون آن‌ها دارد؛ به همین سبب توجه پایه‌ای به آن در فرایند طراحی و تولید یک اثر معماری لازم است. درواقع می‌توان گفت، هر یک از این آثار حاصل تفکر معماران و طراحانی با الگوهای ذهنی متفاوت بوده که ماحصل آن شکل‌گیری سیمایی بصری و هویت شهر می‌باشد. (جم و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۴۱). عقیده معمار در رابطه با مؤلفه‌های طراحی نما از بعد زیبایی‌شناسی، حاکی از الگوهای ذهنی معمار و نقش وظایف وی در راستای هویت بخشیدن به سیمای شهری می‌باشد. این الگوی ذهنی- نظری بر اصولی آشکار و آگاهانه که در ذهن معمار سامان‌یافته، در قالب طرح نهایی به مرحله ظهور می‌رسد و به امری واقعی تبدیل شده و زبان ابزار یک معمار را شکل می‌دهد (مستقیمی، ۱۳۹۱: ۵۱).

اعمال نقش یا سلیقه شهروندان در طراحی نما: اعمال سلیقه در نمای ساختمان‌های امروز، معنایی ندارد؛ اما در عین حال طراح و بسازو بفروشان و پیمانکاران باید جوابگوی مد روز و سلیقه رایج در بازار و موردنظر شهروندان به عنوان مشتری باشند؛ درواقع شرایط حاکم بر بازار مسکن معماران را ملزم به جلب رضایت کارفرمایان و دور نماندن از بازار رقابتی مسکن نموده و آنان را وادار به هنرنمایی و خلاقیت در طراحی نمای ساختمان‌ها می‌نماید (سجودی و نعمت گرگانی، ۱۳۹۶: ۴۹). بدین ترتیب مالکین و بسازبفروش‌ها در بی شاخص نمودن ساختمان‌های خود و جلب رضایت مشتریان بوده و مشتریان نیز به دنبال واحدهای مسکونی می‌باشند که علاوه بر سازگاری با وضعیت اقتصادی و مالی آنان، شخصیت آنان را نمایش دهد. (شیدانه مرید و صارمی، ۱۳۹۴: ۶)

پیامدهای اعمال سلیقه کاربران در طراحی‌ها: با خیش ناگهانی و سریع اخیر در راستای حفظ منابع مردم با رویکرد حفظ و ارتقاء کیفیت مناظر عمومی، ارزیابی منظر به خواسته‌های عمومی مردم مرتبط گردید. جذابیت بصری درنهایت محصول مجموع نظرات افراد ناظر مرتبط با منظر خاص است. ارزش و کیفیت بصری یک منظر با توجه به سلایق کاربران، از کل منظر رتبه‌بندی می‌گردد (ترابزاده، ۱۳۹۴: ۸)، البته باید به این نکته توجه کرد که شخصیت ناظر و موقعیت وی نظیر طول مدت مشاهده، شرایط اجتماعی، اقتصادی ناظر، نوع ویژگی‌های فیزیکی منظر، پویایی و پیچیدگی مؤلفه‌های منظر، قادرند مشاهدات وی را تحت تأثیر قرار دهند. در همین خصوص «ادوارد تی هال^۱» و «جیمز استوارت^۲» در خصوص روایی عکس‌ها تردید داشته و به دو نکته توجه دارند (سجودی و نعمت گرانی، ۱۳۹۶: ۴۹):

۱. ارزیابی‌های ناشی از تفاوت‌های بین محل و زمینه موجود در عکس

۲. فرد ارزیاب- بهجای میانگین گروه- واحد مناسب‌تری برای تحلیل آزمون‌های روایی ارزیابی است.



نمودار ۲: چارچوب راهبردی مدیریت بصری (مأخذ: نگارندهان، ۱۳۹۹)

در منظر و محیط شهری که انسان جزئی از منظر محسوب می‌شود، ناظر با تمام شرایط خود در درک هویت و زیبایی دخیل می‌باشد. (واعظی، ۱۳۹۱: ۵۸)

وجه تمایز بوردیو با دیگر نظریه‌پردازان: بدون شک یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان پس اساختارگرای قرن بیستم «پیر بوردیو»^۳ ای فرانسوی است که تأثیر و نفوذ فکری قابل ملاحظه‌ای بر چهره‌های روش فکر و دانشگاهی در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی داشته است. گستره و عمق آثار وی و حتی آمار آن‌ها باعث شده است که این آثار از پژوهش‌ترین مجموعه‌های نظری و پژوهشی دانش جامعه‌شناسی به حساب آیند. وی در زمینه‌های متفاوت زندگی اجتماعی و واقعیت‌های پیرامون خود به اظهارنظر پرداخته و حوزه‌های گوناگون اجتماعی را میدان آزمایش مفاهیم و اندیشه‌های خود قرار داده است. (Hollander & Anderson, 2020). بوردیو جامعه‌شناسی است که بر بسیاری از رشته‌های علمی دیگر تأثیرگذار بوده، زیرا مرزه‌های علمی را نادیده گرفته و پژوهش‌های متعددی در زمینه‌هایی مختلف انجام داده است. (شريعی و وطن خواه، ۱۳۹۲: ۲۴۲) وی در پژوهش‌های خود از «روش تلفیقی» استفاده کرده و با نگاه میان‌رشته‌ای به حوزه‌های متفاوت دانش، از تاریخ و فلسفه و ادبیات گرفته تا جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و علوم سیاسی، همه را مورد توجه قرار داده است. پیر بوردیو^۴ یکی از بزرگ‌ترین جامعه‌شناسان قرن بیستم است که در صدد برآمد نظریه جامعه‌شناسی جامع و نوینی را پی‌ریزی کند. (Yammiyavar & Roy, 2019).

وی در این مسیر با خلق برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با هم، کوشید آن‌ها را با واقعیات تطبیق دهد و به شیوه‌ای دیالکتیکی از پارادوکس‌های موجود در جامعه‌شناسی، مانند عینیت‌گرایی / دهنیت‌گرایی، ساخت / عامل، و خرد / کلان که به هم وابسته و در عین حال بسیار هم گمراه‌کننده‌اند، فراتر رود و به جایگزینی (آلترناتیوی) برای این مسائل آشنا ناپذیر دست یابد. یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که بوردیو به تفصیل مورد مطالعه قرار داده است، موضوع سلیقه و ذائقه افراد است. وی، ذوق و سلیقه یکی از مهم‌ترین یکی از مهم‌ترین غنائم و اقلامی به شمار می‌آید. به همین دلیل وی بیشتر از عبارت «ایدئولوژی سلیقه» استفاده نموده است (سجودی و نعمت گرانی، ۱۳۹۶: ۴۷)

نظریه تمایز بوردیو در خصوص سلیقه: بوردیو در کتاب «تمایز»، طبقه اجتماعی را شامل افرادی می‌داند که نه فقط از لحاظ اقتصادی از جمله درآمد و دارایی بلکه از نظر سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، ذائقه و سبک زندگی وضعیت مشابهی دارند (Yammiyavar & Roy, 2019). بوردیو در این کتاب، به تحلیل انتخاب‌های سبک زندگی پرداخته و آن را از این جهت بالهمیت دانسته است زیرا تمایزات اجتماعی امروری را می‌توان از رهگذر صور فرهنگی بیان کرد (Barati & Kakavand, 2013). می‌توان دید که سبک و سیاق استفاده از کالاها به‌ویژه آن دسته از کالاها که ممتاز قلمداد می‌شوند، تشکیل دهنده‌ی یکی از نشانه‌های کلیدی هویت و نیز سلاحی ایده‌آل در استراتژی تمایز از سایر گروه‌ها و طبقات اجتماعی است

(بوردیو، ۱۳۹۶: ۲۹). بوردیو در بعد هستی‌شناسی جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه بهم پیوسته‌ای از میدان‌ها-ساختمارها- و افرادی دارای عادت‌واره‌های مرتبط با میدان‌ها می‌داند که به عنوان کنشگر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و طبق عادت‌واره‌های خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه‌ها باهم در تعامل و رقابت قرار دارند (بوردیو، ۱۳۹۵: ۵۸).

کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در ثبت‌یافت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند؛ بنابراین فرد موجودی مختار و در عین حال مجبور است (Hollander & Anderson, 2020).

تقسیم‌بندی از نظر بوردیو به سه شاخه اصلی طبقه‌بندی می‌شود:

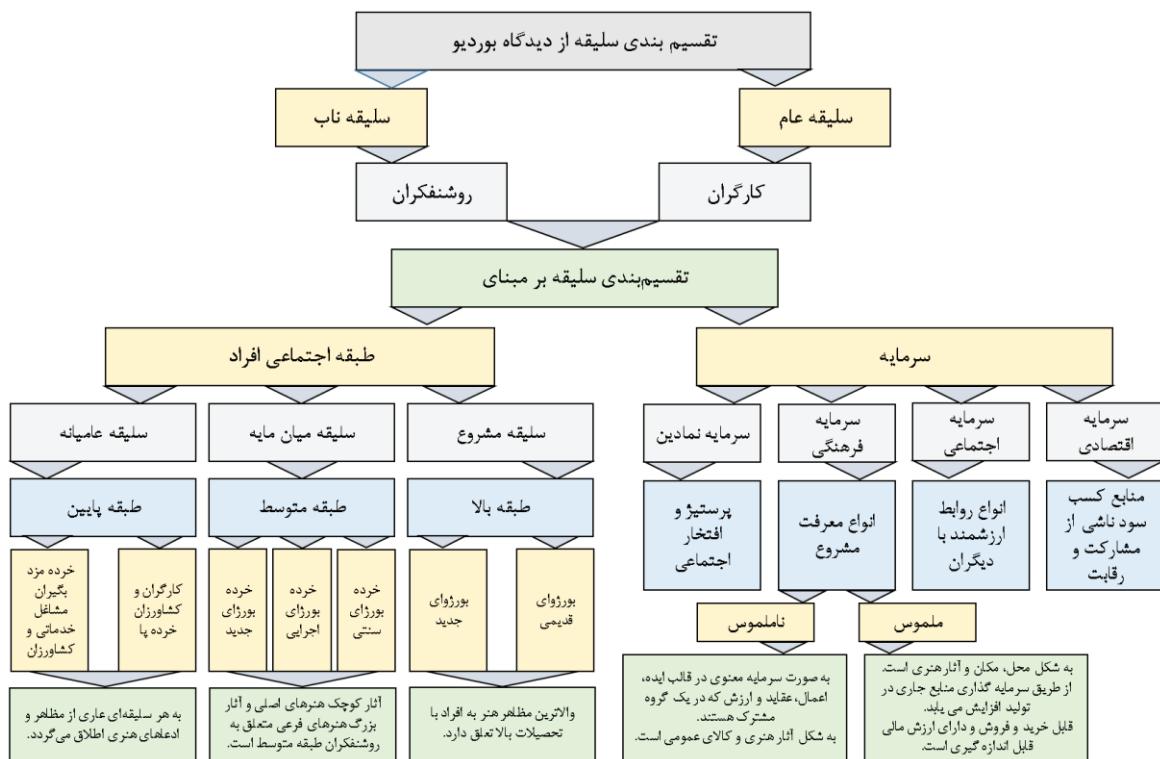
۱) سلیقه مشروع: افراد نخبه با سرمایه فرهنگی بالا آثار مشروع را پسندیده که در قسمت بالای نزدیان اجتماعی قرار می‌گیرند. بوردیو معتقد است: «سلیقه مشروع همراه با تسهیل افزایش یافته و در میان گروه‌های از طبقه فرادست به بالاترین میزان می‌رسد که سرمایه بیشتر و غنی‌تر را دارند. در پایین‌ترین سمت آن، طبقه کارگر قرار می‌گیرند که نوعی نقطه مرجع منفی که همه زیباشناشی‌های خود را در مقیاس با آن و با نفی متواتی تعریف می‌نمایند (سجودی و نعمت‌گرانی، ۱۳۹۶: ۴۵).

۲) سلیقه میان‌مایه و عامیانه: سلیقه‌ای است جدا از سلیقه برای نخبگان و سلیقه برای عامه یا سلیقه خواص و سلیقه عام. هنری است متعلق به طبقه متوسط که میان نخبگان و عوام قرار می‌گیرند. در همین رابطه «بل و هالونز» اعتقاد دارند: «بوردیو رابطه میان طبقه اجتماعی با فضای اجتماعی، سبک زندگی، سلیقه و میدان را به وضوح بیان کرده و معتقد است طبقات فروودست به جای تقلید از طبقات بالاتر از خود، سلیقه‌های متناوب خود را داشته و به شدت نیز از آن دفاع می‌نمایند. (آتشین صدف و خیری، ۱۳۹۶: ۱۶). بوردیو با تبیین رابطه میان ذائقه زیبایی‌شناختی و زمینه اجتماعی، بیان می‌دارد تفاوت‌های ذوقی افراد تفاوت‌هایی هستند که از جایگاه اجتماعی آن‌ها ناشی می‌گردند (رحمتی و مرادی، ۱۳۸۹، ۱۱). گزینش افراد در انتخاب نمای ساختمان نیز بیان گر سلیقه و ذائقه زیبایی‌شناختی آنان می‌باشد. همان‌گونه که معماری داخلی هر بنا نشان از سطح سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و نمادین ساکنان آن دارد؛ انتخاب نوع معماری بیرونی و نمای ساختمانی آن نیز دارای حساسیت و اهمیت خاص را در میان افراد طبقه بالای جامعه ایجاد نموده و آنان را متمایل به نوع خاصی از سبک معماری، رنگ، مصالح یا برنده خاصی از میان شرکت‌های سازنده و سرمایه‌گذار می‌نمایند (ترابزاده، ۱۳۹۴: ۸۳).

سرمایه از دیدگاه بوردیو: بوردیو سرمایه فرهنگی را مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادات و طبایع فرهنگی نظری دانش، زبان، سلیقه و سبک زندگی عنوان می‌کند. فرد جهت حفظ یا کسب یک موقعیت اجتماعی از آن بهره می‌گیرد. از نظر بوردیو سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و نمادین به مثابه بخشی از جهان اجتماعی، به صور گوناگون قابل تبدیل به یکدیگر می‌باشند. (حقوقی‌نیا، ۱۳۹۴) بوردیو این تمایز را در انتخاب کالاهای مصرفی، به نوع ذائقه‌ها و سلایق افراد مصرف‌کننده مرتبط دانسته که خود گونه‌ای از سرمایه فرهنگی محسوب می‌شود. بوردیو این نوع رفتارها را در رویکرد خود «هایپوس» یا «عادت‌واره» می‌نامند (ترابزاده، ۱۳۹۴: ۸۰).

طبقه از دیدگاه بوردیو: از دیدگاه بوردیو، طبقه بیان گر میزان خاصی از اشکال مختلف سرمایه است که افراد مالک آن می‌باشند. (Crossley, 2001, 97) پیر بوردیو معتقد است: «وظیفه علوم اجتماعی این است که بهمدم، ساختارهای عینی جامعه نظری قواعد اجتماعی، نقش‌ها، هنجارها و نهادها به چه صورتی بر رفتارهای ذهنی افراد تأثیر گذارد و رفتارهای اجتماعی چگونه واقعیت اجتماعی را بازآفرینی می‌نمایند.» در حقیقت وی بر این باور است که سلیقه‌ها و انتخاب افراد، تابعی از میزان سرمایه‌های آن‌ها و به تبع آن، جایگاه آن‌ها در فضای سلسله‌مراتب طبقاتی هستند. (Campbell, 2005: 26). بوردیو در کتاب تمایز خود معتقد است ذوق و سلیقه قبل از هر چیز، بی‌میلی و اکراه نسبت به سلیقه دیگران می‌باشد. (حقوقی‌نیا، ۱۳۹۴)

تأثیر طبقه اجتماعی بر رفتار و سلیقه افراد از دیدگاه بوردیو: از دیدگاه بوردیو، اعمال و بازنمایی‌های نه کاملاً تعیین شده‌اند، زیرا عاملان انتخاب می‌کنند و نه کاملاً آزادند؛ زیرا انتخاب‌ها به سیله عادت‌واره‌ها جهت می‌یابند. بر اساس مشابهت‌های «عادت‌واره» سبک‌های مختلف زندگی شکل می‌گیرند که در مجموعه‌ای از سلیقه‌ها که طبقه و یا جناحی از یک طبقه را مشخص می‌کنند. (موید حکمت، ۱۳۹۲: ۱۶۸)، بوردیو ذوق و سلیقه افراد را شدیداً به موقعیت آنان در فضای اجتماعی که در آن قرار دارند وابسته می‌داند. برای بوردیو ذائقه درواقع یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه نمادین فرهنگی می‌باشد. (زکی، ۱۳۹۵: ۲۱۲)



نمودار ۳: نظرات بوردیو در خصوص سلیقه (مأخذ: نگارندهان، ۱۳۹۹، به نقل از عیوضی ۱۳۹۵)

نماهای بنایی مسکونی شهر تهران از دهه ۸۰ به بعد: در این دوره اگرچه تنوع مصالح ساختمانی بسیار گسترده از پیش است اما مصالحی که در نماهای مسکونی بیشترین کاربرد را دارد در درجه اول انواع سنگ‌های تراویرتن و گرانیت و پس از آن انواع آجرهای نما است و در موارد محدودتری شاهد استفاده از چوب، ورق‌های کامپوزیت آلومینیومی و گاه سیمان‌سفید در نماهای مسکونی هستیم (جلودار و جهانبخش، ۱۳۹۵).



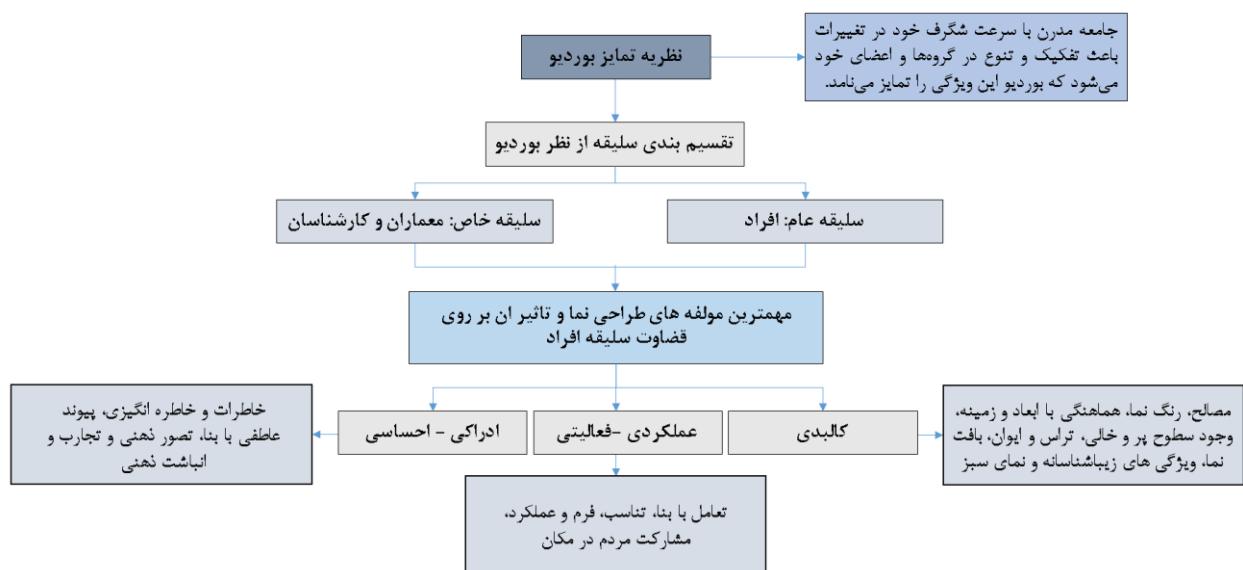
تصویر ۱: نمونه‌هایی از نماهای مسکونی بعد در دهه ۹۰-۱۳۸۰ (مأخذ: جلالی، ۱۳۸۸).

به لحاظ فرم کلی، بناها در اکثر موارد، بیش از آنکه ترکیبی از چند حجم باشند، به شکل یک حجم واحد ظاهر می‌شوند و در اغلب بهندرت تنها از یک نوع مصالح در نمای آنان استفاده می‌شود (جالالی، ۱۳۸۸).

جدول ۲: مرور ادبیات و سوابق تحقیق

نویسنده یا نویسنده‌گان	نوع اثر	عنوان	نکات بر جسته و روش تحقیق
Bourdieu 1987	کتاب	تمایز، نقد اجتماعی، قضاوت‌های ذوقی	در این کتاب "بوردیو" به بررسی نقش مصرف کننده درباره تولید جایگاه اجتماعی و طبقاتی فرد در کنار سایر مولفه‌های اقتصادی در فرانسه پرداخت. قصد وی از این تحقیق این بود که نشان دهد چگونه گروه‌های خاص به ویژه طبقات اجتماعی - اقتصادی از میان چیزها، انواع کالاهای مصرفی، روش‌های تهیه خوراک، مبلمان و تزیینات داخلی منزل را به کار می‌گیرند قصد دارند روش زندگی تمایز خود را به دیگران افاده کنند. وی مصرف و الگوی آن را معیاری مهم در تعیین جایگاه فرد در فضای اجتماعی ارزیابی می‌کند.
Lefebvre 2014	کتاب	به سوی معماری خوشایند	وی در این کتاب به معماری لذت‌بخش پرداخته است که بر بدن و حرکت‌های آن از منظر حواس متتمرکز است. وی به خوشایند بودن گردش بدن در بیرون و درون بنا و یادمان‌ها، فضاهای شهری، باغ‌ها و منظر شهری اشاره کرده و باور دارد عرصه‌هایی که به لذت بردن، حس گرایی و امیال اختصاص داده شده‌اند، محدوده‌های شهری مهمی برای پشت سرگذاشتمن یکنواختی فضاهای صنعتی مدرن می‌باشند.
Webster 2017	کتاب	بوردیو برای معماران	این کتاب که در سال ۱۳۹۶ با ترجمه‌های احسان حنیف، از سوی انتشارات فکر نو با موضوع فلسفه و مبانی نظری معماری چاپ گردید، فرهنگ فضایی و مادی را به خواننده (معماران و طراحان) معرفی کرده تا به معماران در درک اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حرفاًی که در آن مشغولند کمک نماید.
پاکزاد ۱۳۸۳	مقاله	پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران	وی در این تحقیق به بررسی پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر توکینی توقعات از آن پرداخته است. فرضیه محوری این مقاله مبنی آن است که نابسامانی نمایهای ساختمان‌های ما ریشه در عدم پاسخگویی مناسب به توقعاتی دارد که در طول تاریخ نسبت به نما ایجاد شده است. توقعاتی چون محافظت از مساکن در مقابل تهدیدهای خارجی، ایجاد ارتباط میان درون و بیرون، معرفی شخصیت و اعتبار مالک و طراح و بالاخره عدم تک روی و قبول مسئولیت در عضویت واحد بزرگتری به نام فضای شهری
مودتی ۱۳۹۲	پایان‌نامه	بررسی ذائقه معماری خانه در سیمای شهر تهران پس از انقلاب اسلامی	در پژوهشی به بررسی ذائقه معماری خانه در سیمای شهر تهران پی از انقلاب اسلامی پرداخت. وی با به رسمیت شناختن کارکرد فرهنگی و نمادین خانه، تلاش کرد تا با نگاهی غیرارزش‌گرایانه و با اتكاء به آرای "پی‌بر بوردیو" و "هربرت گائز" در حوزه جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ تنها به تحلیل روند ذائقه در معماری مسکونی تهران و یافتن عوامل موثر در این تحولات در دهه ۴۰ تا ۶۰ پردازد. وی معتقد است، افراد از هر فرهنگ و ذائقه‌ای برای داشتن و انتخاب خانه خود محقق‌اند و این امر از طریق پاسخ‌های معمارانه جامعه‌شناسانه دنبال می‌شود نه از طریق سازوکارهایی مبتنی بر سودخواهی‌های بی‌رویه که منجر به تسلط بر این ذائقه و به حاشیه ماندن دیگر ذائقه‌ها می‌شود.
گنجی و حیدریان ۱۳۹۳	مقاله	سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ با تأکید بر نظریه‌های پی‌بر بوردیو و دیوید تراپاسی	مفهوم ذائقه در نظریات بوردو به عنوان نقطه عطفی می‌باشد که در مناسبت اقتصادی (تولید و مصرف) محصولات فرهنگی و هنری نیز اثرگذار می‌باشد و سرانجام می‌تواند در ارتقاء سرمایه فرهنگی، کنشگران اجتماعی و کسب سرمایه اقتصادی آنان در میدان تولیدات فرهنگی نقشی فال داشته باشد.
تراب زاده ۱۳۹۴	پایان‌نامه	تناظر سرمایه و مصرف در معماری ساختمان‌های مسکونی تهران	وی در این پژوهش با استناد به رویکرد بوردیو به سنجیدن سلایق افراد طبقه بالای شهر تهران در ارتباط با سیمای شهری و در بخش جزئی تر نمای ساختمان‌های مسکونی می‌پردازد و با رسیدن به این نتیجه که میان جایگاه اجتماعی و میزان سرمایه افراد با سلیقه زیبایی‌شناسی آنها رابطه مستقیم وجود دارد، فرضیه‌های خود را به اثبات رساند. وی تأکید دارد سلیقه افراد نه انتخابی ذاتی و انعکاس یافته از سطح فرهنگی آنان است بلکه سطح سرمایه آن‌ها علایقشان را مشخص کرده و تحت تاثیر قرار می‌دهد.

حقوقی نیا در این مقاله به استفاده روزافزون از نماهای غربی در شهر تهران اشاره کرده و تأکید دارد که با توجه به معماری ایرانی - اسلامی و پیشینه درخشن آن استفاده از سبک های کلاسیک و نئو کلاسیک نامربوط است. لذا تحقیق خود را در ابتدا با تعاریفی پایه و مرتبط با این موضوع شروع کرده و در ادامه با نگاهی گذرا به روند تاریخی ورود عناصر معماری غربی به معماری معاصر ایران، راه را برای اعمال نظر اسایید و معماران و کارشناسان امر باز کرده و در نهایت به علل گسترش و استقبال کارفرمایان و شهروندان تهرانی به این سبک ها اشاره کرده و آن را مورد کنکash قرار می دهد.	علل تمایل شهروندان تهرانی به معماری و نمای کلاسیک نئو کلاسیک در دهه اخیر در تهران	مقاله	حقوقی نیا ۱۳۹۵
وی در تحقیقی به بررسی سلیقه مردم منطقه ۱۷ تهران از نظر نمای ساختمان های این منطقه که کالبدی فرسوده داشته و در گذشته نه چندان دور، فقر جزء جدایی ناپذیر ساکنان این منطقه مهاجرپذیر بوده است، پرداخت. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد، با توجه به اتفاقات سال های اخیر همچون افزایش قیمت زمین و مسکن، گسترش تهران، افزایش جمعیت و قرارگیری این منطقه در متن شهر تهران، تمایل روشنی در مردم ساکن برای تغییر ساخته ذهنی ناشی از فقر در گذشته و نشان دادن نوعی رفاه در زندگی آنان می باشد. نیز، گرایش فراوان به استفاده از سنگ در نما، پیدایش نماسازی کلاسیک غربی، ترادف نو بودن و زیبایی در ذهن ساکنان و استفاده از رنگ های جلب توجه شده، نشان دهنده تمایل مردم برای ابراز تمایز و تغییر طبقه اجتماعی است.	زیبایی شناسی نمای ساختمان های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران	مقاله	کسری ۱۳۹۶
دکتر مدنی پور، مولف و استاد دانشگاه نیوکسل در این تحقیق موضوعاتی چون اقتصاد دانش بیان و یا سرمایه های اجتماعی و تاثیر آن بر شهرسازی را مورد مطالعه قرار داده و با رویکردی انتقادی ارتباط میان فرآیندهای اجتماعی - اقتصادی و نقش، کارکرد و تاثیر آن بر ساخت سیمای شهرها را بررسی می کند. وی از مفهوم فضای شهری به عنوان کلیدوازه ای مهم برای ایجاد ارتباط میان مباحث اجتماعی و محیط ساخته بهره برده و طی آن به دنبال پاسخی مناسب برای سوالاتی همچون "چگونه فضا از طریق فرآیندهای اقتصادی میان شهروندان تقسیم‌بندی می شود؟" و این که "چگونه تکه تکه شدن های فضایی سبب گسیختگی های اجتماعی - فرهنگی در بخش های مختلف در طراحی شهر می شود؟"	طراحی شهری، فضا، جامعه	کتاب	مدنی پور و همکاران ۱۳۹۶
محمد حسینی و همکارانش در پژوهشی که در ارتباط با الگوی مسکن شهر اردبیل بود، وجود اختلافات در سرمایه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی را در شکل گیری طبقات اعیان و متوسط موثر دانسته و اذعان داشتند که این مهمترین دلیل در تفاوت های کالبدی و فضایی خانه ها شده است. همچنین اضافه نمودند، با وجود آن که مردم اردبیل در سیاری از مولفه ها در سرمایه های اجتماعی و فرهنگی دارای اشتراکاتی با یکدیگر هستند اما آنچه موجب تمایز طبقاتی در خانه های آنها شده، نوع برخورد متفاوت در قبال این مولفه ها است. به نحوی که طبقه اعیان اغلب در مواجهه با موضوعاتی چون جایگاه، روابط و هویت اجتماعی، سلیقه و ذاته ای پر تکلف تر و همراه با القای حس تمایز و تفاخر را اعمال نموده و این نمود را در نمای ساختمان، ورودی، فضای مهمان و تریئنات بنا به نمایش می گذارند.	تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن	مقاله	محمد حسینی و همکاران ۱۳۹۸
هدف اصلی وی در این پژوهش بررسی و شناسایی عناصر نما با تأکید بر معانی و ادراکات ذهنی شهروندان و نقش نما در ایجاد دلبستگی به مکان بوده است. وی جهت نیل به اهداف مورد نظر، نمای ساختمانی را در قالب ابعاد کالبدی، ادراکی، احساسی و عملکردی - فعالیتی بررسی نمود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد عوامل کالبدی مهمترین اثرگذاری را بر احساس دلبستگی به مکان در میان شهروندان تهرانی ایفاء می نمایند. همچنین تعامل با بنا، تناسب فرم و عملکرد و هماهنگی با ابعاد بومی و زمین های مهمترین معیارهای کالبدی تاثیرگذار در این پژوهش بوده اند.	تبیین نقش نمای شهری در ایجاد دلبستگی به مکان در بین شهروندان تهران	پایان نامه	ظرفی پور لنگرودی ۱۳۹۹



نمودار ۴: مدل مفهومی و متغیرهای استخراج شده از چارچوب نظری پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

بحث

سلیقه در معماری به معنای انتخاب بنای مطلوب در شمار مباحث مهم این عرصه قرار دارد که به عوامل متفاوتی نسبت داده می شود؛ اما به طور معمول به دو صورت مقدماتی قابل فهم است. یکی مرتبط با مشاهده خصوصیات ظاهری یا عینی بنا و دوم از منظر ادراک حسی و مرتبط با ذهنیات فرد. برای دستیابی به دیدگاه معماران و صاحب نظران در زمینه مفهوم «سلیقه شهروندان تهران در طراحی نماهای مسکونی» مصاحبه ها، همان طور که در روش پژوهش توضیح داده شد، صورت پذیرفت.

کدگذاری باز: در این مرحله، بارها و بارها داده گردآوری شده، مرور شده و از زوایای گوناگون به آن توجه شده است. در این مرحله پژوهشگر با مرور مجموعه داده های گردآوری شده تلاش می کند که مفاهیم مستر در آن را بازشناسد. در این مرحله با ۲۰ متخصص و معمار مصاحبه های نیمه ساختار یافته صورت می گیرد و این روند تا اشباع نظری داده ها ادامه دارد. برای هر مجموعه به صورت مجزا و به اختصار، چکیده ای کوتاه از مصاحبات انجام شده، آورده می شود و خروجی نرم افزار به صورت یک نمودار در ادامه قرار می گیرد.

جدول ۳: نمونه هایی از گزاره های برگرفته از متن مصاحبه و برداشت

گزاره هایی برگرفته از متن مصاحبه و برداشت	افراد
---	-------

ارتباط میان سلیقه مردم در ساخت بناهای مسکونی و جریانی که معماران آن را هدایت می کنند به صورت کاملاً دوسویه است. از طرفی معماران می توانند نظریات و اندیشه های خود را در حوزه معماری به مردم تحمیل کنند و از طرف دیگر مردم می توانند با سبک زندگی و الگوهایی که برای زندگی های شان انتخاب می کنند در هدایت این جریان نقش داشته باشند. اگر به معماری بناهای ۵۰ سال گذشته نگاه کنیم عنصر ظرافت را در طراحی آن ها بهوضوح می بینیم. بناهای ایرانی باید اصالت ایرانی داشته باشد و بر اساس سلیقه و روح ایرانی طراحی شده باشد. به نظر من تهران یکی از زشت ترین شهرهای جهان است در حالی که می توانست یکی از بهترین شهرها از نظر معماری و شهرسازی باشد. از مسائل مطرح و مهم در میان مردم هر سرزمینی، مکان زیست و روح حاکم بر سبک زندگی گذشگان آن است.

عبدالرضا زکایی
استاد معماری دانشگاه و
نویسنده کتاب معماران
ایران

از آنجایی که در گذشته هیچ گونه نظارتی بر روی طراحی نما اعمال نمی شد؛ این موضوع موجب شده بود تا هر مالک و یا سازنده ای بر حسب سلیقه و شرایط خود، اقدام به طراحی و اجرای نمای ساختمان کند. پیامد این موضوع این بوده که منجر به بروز اغتشاش و ناپیمانی در منظر و سیمای شهرهای کشور به ویژه تهران شده است. در کمیته های نما باید فضا باز باشد تا مردم و معتمدن و دیده بان های شهری مشارکت کنند و رویکرد در جهت تحقق حقوق عمومی شهر باشد. این در حالی است که بعض احکامی در کمیته های نما صادر می شود که سلیقه ای است و میانی ندارد و این باعث شده که خلاقیت های قبلی معمارانه از دست بروند. لذا این امر یکی از اشکالات جدی در این بخش است.

محمد سالاری، رئیس
کمیسیون شهرسازی و
معماری شورای اسلامی
شهر تهران

طراحی نما ساختمان مسکونی نکته‌ای مهم است که باید به آن توجه ای ویژه داشت زیرا در هنگام وارد شدن به ساختمان اولین چیزی که جلب توجه می‌کند نمای خارجی ساختمان است. توجه داشته باشید که نمای بیرونی ساختمان اگر به درستی انجام شود باعث افزایش کیفیت و درجه مادی ساختمان می‌شود و علاوه بر این نمای ساختمان اگر زیبا و خاص باشد در ذهن هر بیننده‌ای به صورت اثری به یادماندنی ثبت می‌شود.

یکی از اعضای گروه
مهندسین آرکاور جاوند

نمای ساختمان همچنین باعث زیباسازی و افزایش عمر ساختمان‌های مسکونی می‌شود. در طراحی نما هر ساختمان مسکونی می‌تواند از مصالح مختلفی نظیر سنگ و آجر و شیشه و... استفاده شود که نمای ساختمان سنگ و نمای آجری ساختمان از قدیمی‌ترین انواع نمایها هستند که از زمان‌های گذشته تا به امروز مورد توجه طراحان و معماران ساختمان قرار گرفته‌اند.

خیلی جالب است بدانید هنوز مشخص نیست یا حداقل من نمی‌دانم که چه شد که نمای‌های رومی و کلاسیک وارد ایران شد. البته نکته جالب اینجاست که بسیاری معتقدند که اصلاً این نما محصول خود ایرانی‌ها است؛ یا به قول بکی از استادی کمیته نمای مناطق، خود رومی‌ها به نمای رومی می‌گویند نمای ایرانی! چون شما در کشورهای توسعه‌یافته مشاهده نمی‌کنید که برای نمای مسکونی به خصوص نمای‌های مسکونی پرترآکم - از تنانیات نمای رومی یا کلاسیک استفاده کنند. چون توقع دیگری از یک نمای مسکونی دارند. به هر حال برخی طراحان و سازندگان ایرانی به خصوص در تهران هستند که دائم بazar را خوب می‌شناسند و ابتکار عمل را در دست گرفته و سلیقه بازار را هم در دست می‌گیرند. ما از نمای هر ساختمانی یک سری توقعات داریم.

محمدمهری عابدی
طرح شهری، مدرس
دانشگاه و عضو علمی
کمیته نمای منطقه ۲
شهرداری تهران

مثالً شما از نما و معماری یک بنای فرهنگی توقع دارید که نشان دهد که یک بنای فرهنگی است. یا از یک بنای اداری انتظار دارید که مشخص باشد اداری است. در مورد نمای مسکونی هم همین است. ما از یک نمای مسکونی توقع داریم که آرامش، صمیمیت، مردم واری و ... را نشان دهد.

برای طراحی نما یک ساختمان می‌توان از انواع نمای‌های کلاسیک، مدرن و ایرانی استفاده کرد که انتخاب هر یک از نمای‌های خارجی ساختمان سلیقه‌ای است. انتخاب مصالح برای نمای ساختمان مسکونی یکی از مهم‌ترین اصول طراحی نما است که باید مورد توجه قرار بگیرد. شرط رسیدن به یک نمای ایده‌آل و زیبا این است که بدانیم چه مصالحی را باید در کنار یکدیگر به کار ببریم تا نمای خارجی ساختمان شما خاص و شیک به نظر برسد. به طور کلی در طراحی نمای یک ساختمان تنوع رنگ و تنوع بافت از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌توان با انتخاب مصالح و مواد مناسب به نمای ساختمان زیبا و مناسبی دست یافت.

یکی از اعضای شرکت
مهندسين مشاور نقش
شهر

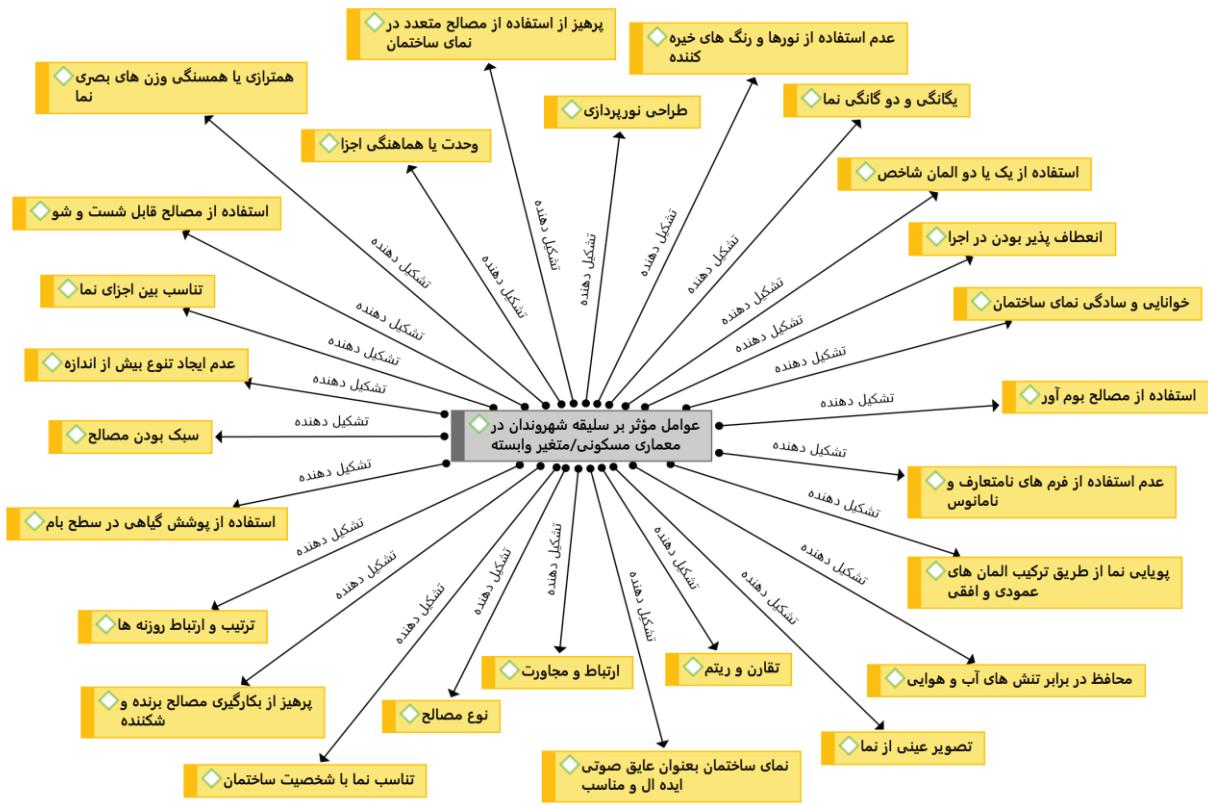
نمای یک ساختمان بهتر است به صورتی طراحی شود که علی‌رغم خاص بودن با ساختمان‌های مجاورش نیز هماهنگی داشته باشد و خط و خطوطی از نمای‌های موجود در آن منطقه در طراحی نما به چشم بخورد. در طراحی نما، قبل از طراحی فرهنگ و بافت منطقه بایستی موردنبررسی قرار گیرد. سپس نتیجه بررسی‌ها را با خلاقیت و هنر معماری ترکیب شود تا به نتیجه‌ای دلخواه و مطلوب رسید.

این در حالی است که استفاده از نمای‌های خطرناک همچون نمای شیشه‌ای و سنگی که در وقوع زمین‌لرزه بسیار حادثه‌ساز است و نمای رومی و نمای‌های ناهمخوان با نمای ایرانی و اسلامی نیز بسیار مرسوم به نظر می‌رسد که همین امر نیز یک آشفتگی بصری در شهر ایجاد می‌کند.

و ضعیت ظاهری ساختمان‌ها به قدری آشفته است که در بسیاری از نمای‌های اجرشده حتی کوچک‌ترین برسی و نظارت فنی در اجرای آن‌ها و یا بررسی کیفیت مواد مورد استفاده در اتصال نما به سازه صورت نگرفته که در صورت وقوع زمین‌لرزه و یا گذشت زمان خطرات جبران ناپذیری برای دیگران به ویژه برای عابران و خودروهای پارک شده به همراه خواهد داشت. روندی که تاکنون در نظارت شهرداری‌ها بر ساخت و سازها و نمای‌های شهری وجود داشته، تأکید بر نمازی و اخذ پایان کار و براساس دستورالعمل شورای عالی شهرسازی و معماری ایرانی بوده است و در این مورد مالکان و معماران به صورت سلیقه‌ای اقدام کرده‌اند.

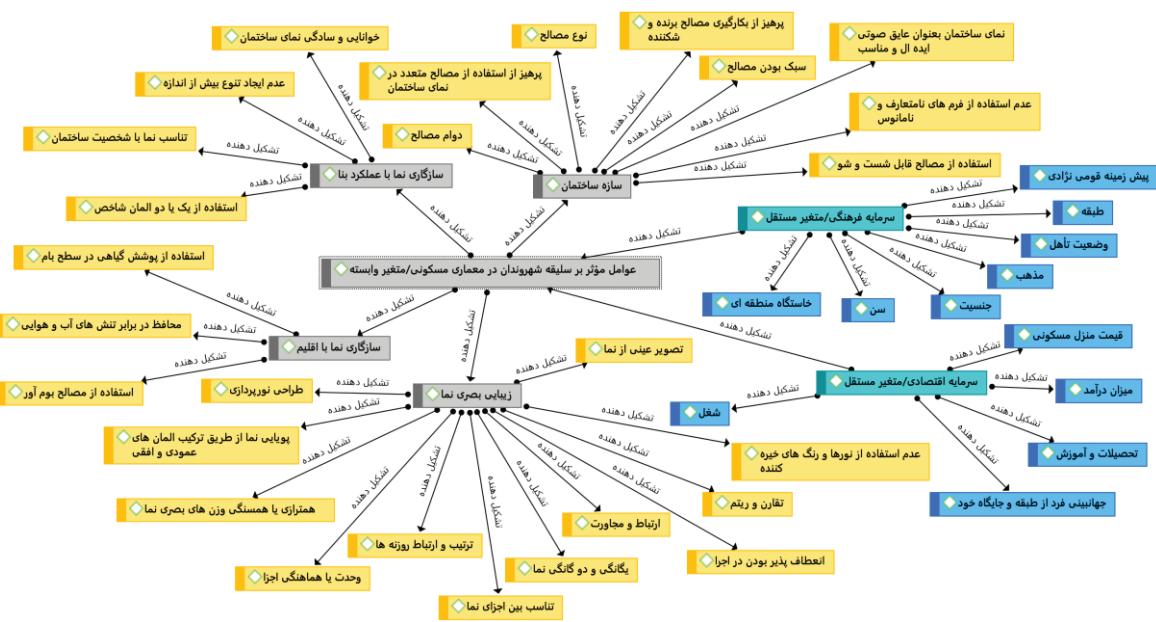
معاون هماهنگی امور
عمرانی استان تهران

وی اظهار کرد: در خصوص نمای‌های شیشه‌ای یا سنگی درصدهایی برای حدنصاب استفاده از مصالح وجود داشته که متأسفانه معماران و مجریان نظارت دقیق بر رعایت اجرای آن‌ها نداشته و بنا داریم در آینده با تدوین دستورالعمل و تشکیل کمیته‌های فنی نمای‌های شهری نظارت بیشتری بر نحوه اجرای نمایها داشته باشیم.



نمودار ۵: کدگذاری باز متون مصاحبه

کدگذاری محوری: در مرحله بعد، کدهای استخراج شده دسته‌بندی گردید، همچنین کدها دسته‌بندی، تدقیق و در قسمت‌هایی حذف شدند. تعداد ۲۳ کد به علت عدم انطباق با مبانی نظری حذف گردیدند. کدهای دسته بندی شده بر مبنای تفسیر و توصیف و انطباق با مفاهیم موجود در ادبیات نظری سلیقه شهروندان در طراحی نمای مسکونی بود.



نمودار ۶: کدگذاری محوری و دسته‌بندی کدهای مفهومی

تحلیل سلیقه شهروندان در طراحی نماهای مسکونی بر اساس نظریه تمایز بوردیو در دوره ۱۳۹۸-۱۳۸۴: از مجموعه‌ی آنچه تاکنون ذکر شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که بررسی سلیقه و ذاته در نماهای معماری مسکونی، تنها از طریق برقراری ارتباط میان مظاهر موجود معماري و کیفیت عوامل مؤثر در سلیقه و ذاته افراد در هر دوره امکان‌پذیر است. به این معنی که نمای بناهای مسکونی با کارکردهای اجتماعی و میدان‌های تولید ارتباط مستقیمی دارد. معماری نمای بناهای مسکونی از دو جهت خود را از بسیاری از انتخاب‌های دیگر تمایز می‌سازد. از یکسو چنانچه بوردیو اشاره می‌کند، «بسیاری از خاص بودگی‌های توسعه مسکن و روابطی که میان شرکت‌های ساخت‌وساز شکل می‌گیرد، از خصوصیت ویژه این محصول ناشی می‌شود که به طرزی ذاتی مؤلفه نمادین دارد. از سوی دیگر نیاز به معماری از سوی افراد، اساسی‌تر از آن است که قابل نادیده گرفتن باشد و از طرفی معماری نیز به همان نسبت وجود خود را به مصرف کننده مدیون است. جامعه از فرهنگ‌ها و جمعیت‌های ذاته‌ای متفاوتی تشکیل شده که هریک به‌واسطه‌ی معیارهای زیباشناختی خاص خود، ترجیحات خاص خود را در رابطه با معماری دارد. با این وجود، مطالعه‌ی ریخت‌شناسانه‌ی معماری مسکونی تقریباً حاکی از تسلط کمی یک یا دست کم دو مجموعه معیار نزدیک به هم در رابطه با ذاته‌ی معماری مسکونی در هر دوره است؛ بنابراین تغییر ذاته در معماری مسکونی، در حقیقت خود را به شکل تغییر ذاته‌ی «سلط» در هر دوره نشان می‌دهد. در حالت کلی می‌توان چنین عنوان کرد که تسلط یک ذاته ارتباطی مستقیم با چگونگی رابطه‌ی عرضه و تقاضا دارد.

از سوی دیگر سازوکارهای مبتنی بر خودخواهی و رقابت که به دنبال دریافت مقبولیت جمعیت ذاته‌ای پرتعداد است، در صورت عدم کنترل از طریق سیاست‌گذاری‌های مربوطه، به‌واسطه تمرکز بر یک مجموعه معیار ذاته و سلیقه درنهایت منجر به تسلط آن سلیقه و ذاته و در حاشیه ماندن دیگر سلیقه‌ها و درنتیجه ایجاد محدودیت در انتخاب سایرین می‌شود. از آنجاکه بخش اعظم جمعیت ذاته‌ای متوسط رو به پایین (اغلب به عنوان پرتعدادترین جمعیت ذاته‌ای در میان سایرین) را قشر پردرآمد تشکیل می‌دهد که نه به‌واسطه‌ی تحصیلات بالا و شغل مناسب با آن، بلکه از طریق شغل‌های سطح پایین پردرآمد کسب درآمد می‌کند و از آنجاکه این قشر قدرت خوبی بیشتری دارد و چه بسا گاه بیشترین قدرت خرید)، عرضه کنندگان بیشترین تمرکز و سرمایه‌گذاری خود را بر روی جلب رضایت و ذاته‌ای آنان قرار می‌دهند و به‌این ترتیب گسترش آن به‌واسطه‌ی تمایل به احاطه‌ی فرهنگی از سوی اقتدار کم‌درآمد، هرچند با کیفیت پایین‌تر، چندان بعید به نظر نمی‌رسد.

آنچه از ریخت‌شناسی معماری مسکونی دهه‌ی ۸۰ برمی‌آید، حاکی از نوعی تعادل نسبی در عرضه‌ی همارز با تقاضاست. بناهای مسکونی در اکثر موارد از کیفیت مناسبی چه به لحاظ طراحی و چه مصالح و ساختار برخوردارند. اگرچه روابط اجزای فرمال ممکن است در بسیاری موارد از پویایی حجمی آن‌گونه که در دهه‌های ۶۰ و ۵۰ شاهدیم برخوردار نباشند، اما همچنان تا حدودی بر مبنای راهکارهای معمارانه دنبال می‌شوند. در کنار این موارد همچنین بناهایی با کیفیت طراحی پایین‌تر دیده می‌شوند که به لحاظ بصری و روابط فرمال اجزا تا حدی متفاوت با گونه‌های دیگر ظاهر شده‌اند و اغلب دارای نماهایی تحت همراه با کاهش پویایی بصری‌اند. دهه‌ی ۸۰ به بعد دوره‌ای است که با بالا رفتن سطح درآمد خانوارها و درنتیجه توان خرید جمعیت زیادی از مردم همراه است. از سوی دیگر، ساختار اقتصادی کشور به‌گونه‌ای پیش می‌رود که سودآوری بخش خصوصی بیش از آن که در عرصه‌ی صنعت دنبال شود، در عرصه‌های دیگر از جمله خرید و فروش طلا و در این دوره به‌ویژه مسکن تحقق یابد؛ و به‌این ترتیب در تغییر نظام عرضه‌ی معماری مسکونی تأثیرگذار است. در کنار این وضعیت، نهادهای تصمیم‌گیرنده نیز به مراتب تأثیر به سزایی در روند تغییر نظام عرضه از خود بر جای می‌گذارد. به‌این ترتیب که از یکسو وضع برخی قوانین از سوی شهرداری (از جمله لزوم پرداخت هزینه‌ی پایان کار و فروش تراکم) و بالا رفتن هزینه‌های ساخت از این طریق سبب می‌شود تا جمعیت زیادی که در این دوره با افزایش درآمد روبرو شده‌اند توان خرید اما نه الزاماً توان ساخت داشته باشند و به‌این ترتیب به تبدیل حوزه‌ی معماری مسکونی به عرصه‌ای برای سودآوری و سرمایه‌گذاری کمک می‌کند و از سوی دیگر سازمان نظام مهندسی در ابتدای این دهه با تصویب قوانینی مبنی بر لزوم برخورداری بنا از معیارهای فنی لازم، بدون در نظر گرفتن قوانینی که طراحی بنا را محدود به رأی معمار کند، مهندسان غیر معماری را در کار طراحی وارد کرد که نه بر مبنای دانش معمارانه، بلکه تنها به‌واسطه‌ی برخورداری از آموزه‌های فنی این رشته قادر به فعالیت در این عرصه بودند.

به‌این ترتیب معماری مسکونی این دهه عرصه‌ای برای تحقق ذاته‌هایی می‌شود که اگرچه چندان متنوع نیستند، در هم‌زیستی نسبتاً متعادلی قرار دارند. آنچه به‌واسطه‌ی سازوکارهای پایه‌بریزی شده در دهه‌ی ۸۰ رخ می‌دهد، آغاز جریانی است که در دهه ۹۰ در قالب اوج گیری روابط به شدت سودخواهانه‌ی عرضه کنندگان و درنتیجه، ایجاد سازوکاری رقابتی در این حوزه، تصمیمات تازه‌ای را در سوی عرضه به دنبال دارد؛ تصمیماتی که از سودخواهی بیشتر سرمایه‌گذاران پیروی می‌کند، چه به دلیل طمع و چه فراهم بودن سود بیشتر و یا به این دلیل که عدم

موفقیت در بهرهوری از سودهای موجود می‌تواند منجر به کاهش نرخ سود شود. این تصمیمات بهویژه در این دوره نمود بارزش را در از بین رفتن روابط فرمال حجمی نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که ملاحظات اقتصادی و سودخواهانه‌ی عرضه کنندگان، حتی در مواردی که این عرضه بازی طریق به خدمت گرفتن معماران صورت می‌گیرد، اغلب دیگر مجالی برای تحقق روابط آزادانه‌ی فرمال و پویایی بازی‌های حجمی باقی نمی‌گذارد و درنتیجه از بین رفتن عرصه‌های نیمه‌خصوصی که تا حدی به واسطه‌ی این روابط فرمال شکل می‌گیرند را در پی داشته و به‌این ترتیب تمام پویایی بصری بنا به بازی‌های در سطح خلاصه می‌شوند. همچنین ذاته و سلیقه در نمایهای بناهای مسکونی مسلط در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بسیاری از دلایل حضور و تداوم خود را مرهون سازوکارهای رقابتی و سودخواهانه‌ی شدید حاکم بر نظام عرضه است، صرف‌نظر از تقاضاهایی که ممکن است به واسطه‌ی تلاش برای دستیابی نمادین به جایگاه افراد ثروتمند ایجاد شده باشد، چنان بعید به نظر نمی‌رسد که گرایشی این چنین فراگیر به ذاته‌ای عرضه‌شده مسلط در سال‌های اخیر، تالانهای نیز از آن جهت باشد که اساساً در ک آن نیازمند تعليمات پیچیده نبوده و خوانش آن ساده‌تر است. از این منظر، این که حضور چنین گرایشاتی در میان افراد تحصیل کرده تا چه اندازه در حال بالا بردن تعداد اعضای جمعیت ذاته‌ای متوسط رو به پائین است، اهمیت پرداختن به مسئله‌ی عملکرد نظام آموزشی را پررنگ‌تر جلوه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نقشه‌ی تلاقی معمار و تمام آموزه‌ها، تفکر و دانسته‌های نظری اش با سلیقه مردم، همواره یکی از نقاط چالش‌برانگیز در مسیر طراحی معماری است. این مسئله بیشترین اهمیت خود را در حوزه‌ی معماری نمای بناهای مسکونی به عنوان اختصاصی ترین انتخاب افراد در زمینهٔ معماری آشکار می‌سازد. درک ذاته و نسبت آن از یک سو با فرد و از سوی دیگر با جامعه، به عنوان لازمه‌ی برخورد معمارانه با مسئله سلیقه افراد، پرسش اصلی این پژوهش است. از جمله محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق حاضر می‌توان به مشکلات ناشی از عدم همکاری لازم مراجع ذی‌ربط، مسئولین و متصدیان شهر تهران نام برد. ولیکن نوشتار حاضر تلاش کرده است تا با نگاهی غیرازش گذارانه و با اتکا به آرای پیر بوردیو در حوزه‌ی جامعه‌شناسی هنر و فرهنگ، تنها به تحلیل روند ذاته در معماری مسکونی شهر تهران و یافتن عوامل مؤثر در این تحولات در دوره ۱۳۸۴-۱۳۹۸ بپردازد. این بررسی اگرچه بر این باور است که افراد، از هر فرهنگ سلیقه‌ای، برای داشتن و انتخاب نمایهای متناسب با معیارهای ذاته‌ای خود محق‌اند، همچنین معتقد است که این امر نیازمند آن است که از طریق پاسخ‌هایی معمارانه و جامعه‌شناسانه دنبال شود؛ نه از طریق سازوکارهایی مبتنی بر سودخواهی‌های بی‌رویه که منجر به تسلط یک ذاته و در حاشیه ماندن دیگر ذاته‌ها می‌شود. همین‌پی‌بر بوردیو با طرح نظریه تمایز به بیان تمایز و فرق آن با تفاوت پرداخت و معتقد بود سلسله مراتبی در تمایز برقرار می‌باشد که افراد را علیرغم قرار داشتن در موقعیت‌های اجتماعی متفاوت و شرایط مرتبط با آن‌ها، با یکدیگر متفاوت می‌سازد؛ وی این فاصله ایجاد شده میان شرایط و موقعیت اجتماعی افراد را طبقه اجتماعی می‌داند. بوردیو سلیقه را رابطه میان تشخیص و تمایز افراد از یکدیگر دانسته و این را یکی از نشانه‌های تفکیک میان جایگاه اجتماعی و «سلیقه ناب» و «سلیقه بدوى» افراد بیان می‌کند. در واقع از نگاه وی میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌های زیایی‌شناختی افراد رابطه مستقیمی وجود دارد. مبحث دیگری که در بحث سلیقه بوردیو بدان می‌پردازد موضوع سرمایه بالاخص سرمایه فرهنگی است. سرمایه فرهنگی از نظر بوردیو، مجموعه‌ای از توانمندی‌ها، عادات، طبایع فرهنگی [دانش، زبان، سلیقه و سبک زندگی] می‌باشد. ذاته یا داوری زیایشناختی نه یک موهبت ذاتی، بلکه یک توانایی اجتماعی است که از طریق آموزش و طی روند اجتماعی شدن به دست می‌آید؛ و افراد به نسبت بهره‌ای که از امکانات و شرایط اجتماعی می‌برند، سطوح مختلفی از درک زیایشناختی را به خود اختصاص داده و درنتیجه از فرهنگ ذاته‌ای متفاوتی بهره می‌گیرند که خود را در انتخاب‌های فرهنگی آنان آشکار می‌کند. انتخاب‌هایی که اگرچه در ابتدا بر مبنای ارزش‌های برآمده از داشته‌های اجتماعی افراد صورت می‌گیرند، اما همچنین تحت تأثیر سازوکارهایی خارج از این محدوده قرار می‌گیرند. در این میان، معماری به عنوان یکی از ماندگارترین و آشکارترین این انتخاب‌ها گرایش‌های زیایشناختی و ذاته‌ی افراد را فاش می‌کند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد سلیقه و ذاته افراد مهم‌ترین عامل در سطح کیفیت نمایهای بناهای مسکونی و به تبع آن سیمای شهر است. همانطور که بوردیو ذکر کرده است نمایهای عامل ارتباط بین شرکت‌های ساخت‌وساز و معماران هستند. با توجه به اینکه سیما و کالبد بناهای مسکونی حاصل از تسلط معیارهای زیایشناختی افراد است؛ بنابراین تغییر ذاته در معماری مسکونی، در حقیقت خود را به شکل تغییر ذاته‌ی «سلطه» در هر دوره نشان می‌دهد. در حالت کلی می‌توان چنین عنوان کرد که تسلط یک ذاته ارتباطی مستقیم با چگونگی رابطه‌ی عرضه و تقاضا دارد. شرکت‌های ساخت‌وساز به دنبال اجرای نمایهایی هستند که از طرف تعداد کثیری از مردم مورد پذیرش باشد. این امر منجر به تسلط آن سلیقه و ذاته و در حاشیه ماندن دیگر سلیقه‌ها و درنتیجه ایجاد محدودیت در انتخاب سایرین می‌شود. در پایان می‌توان راهکارهایی برای طراحی نما به صورت زیر پیشنهاد کرد:

جدول ۴: راهکارهای پیشنهادی

عناصر	نباید	باید
فرم، مصالح، رنگ	۱) منع استفاده از نماهای تمام شیشه‌ای یا تمام فلزی ۲) منع استفاده از رنگ‌های نامتعارف و ناهمگون در نمای ساختمان	۱) استفاده از مصالح با دوام در مقابل فرسایش و آلوده شدن در نما ۲) هماهنگ رنگ غالب نما با رنگ اینیه هم‌جوار ۳) پوشاندن درز انقطاع بین دو ساختمان با مصالح متناسب با نما
ملحقات عناصر تاسیساتی در نما و تابلو	۱) منع طراحی و اجرای عناصر تاسیساتی اعم از مکانیکی، الکتریکی و ... در نمای اصلی و جانی و جداره‌های شهری ساختمان ۲) منع درج نوشته بر نمای ساختمان مازاد بر آنچه که در نقشه نمای مصوب مجاز شمرده شده است.	۱) عناصر تاسیساتی اعم از مکانیکی، الکتریکی و ... در قسمتی از ساختمان که در دید عموم قرار ندارد طراحی، اجرا گردد. ۲) محل تابلو در هنگام طراحی نمای ساختمان طراحی گردد.
پیش‌آمدگی و بازشوها	۱) منع ایجاد هر گونه اختلاف سطح در خط زمین در نما نظیر پله ۲) منع ایجاد هر گونه پیش‌آمدگی فضای ورودی در معبر عمومی ۳) منع استفاده از بازشویی بالشکال هندسی نامنوس در نما	۱) فضای ورودی ساختمان خوانا و متناسب با سایر اجزاء نما ۲) تدبیری نظیر آبچکان برای بام جهت جلوگیری از ایجاد لکه ناشی از لغزش آب بر روی نما در نظر گرفته شود.
بام بنا	۱) منع استفاده از عناصر تاسیساتی در بام بدون پوشش مناسب به گونه‌ای که از معابر جانبی قابل مشاهده باشد. ۲) فرم، رنگ و شکل غالب بام با ویژگی‌های معماری موردن تایید شهرداری هماهنگ باشد. ۳) تدبیری نظیر آبچکان برای بام جهت جلوگیری از ایجاد لکه ناشی از لغزش آب بر روی نما در نظر گرفته شود.	۱) خط پیشانی ساختمان، پیش‌آمدگی آن و تراز بام با ساختمان‌های هم‌جوار هماهنگی داشته باشد. ۲) فرم، رنگ و شکل غالب بام با ویژگی‌های معماری موردن تایید شهرداری هماهنگ باشد. ۳) تدبیری نظیر آبچکان برای بام جهت جلوگیری از ایجاد لکه ناشی از لغزش آب بر روی نما در نظر گرفته شود.

پی‌نوشت

- 1- William Lethaby
2- Georg Simmel
3- Norbert Elias 4- Vance Packard
5- Pierre Bourdieu
6- Thorstein Veblen 7- Guy Louis Debord
8- Edward T.Hall
9- James Stewart

فهرست منابع

- ابراهیمی میلانی، ا. (۱۳۹۴). ملاحظات زیبایی‌شناسخی در منظر و سیمای شهر با تأکید بر نمای ساختمان‌ها (نمونه موردی: خیابان امام تبریز). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، پردیس بین‌المللی ارس.
- آتشین صدف، ع. ر، خیری، م. (۱۳۹۶). بنیان‌های نظری سبک زندگی در اندیشه پیر بوردیو با رویکرد انتقادی. پژوهشنامه سبک زندگی، شماره ۵، صص ۴۴ - ۹.
- اکبری، ع. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی سلیقه در معماری معاصر تهران. چکیده سخنرانی در نشست ۱۲۱ معماری فرم‌کالا در عصر جامعه‌النمایش، تهران.
- افشاری‌نادری، ک. (۱۳۹۳). معمار و مشتری. معمار، شماره ۸۵، صص ۷ - ۳.
- ایمانی، ن، ظفرمندی، س. (۱۳۹۶). مبادی سلیقه در معماری. باغ نظر، شماره ۵۳، صص ۴۰ - ۳۳.
- ایوبی، ر، جعفری قوام آبدی، ن. (۱۳۹۳). نما، سیمای بافت تاریخی و منظر فضای عمومی در قوانین ملی، ضوابط و مقررات محلی و وظایف مدیریت شهری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۲، صص ۱۶ - ۱.
- بخشی، م. (۱۳۹۵). نقش مشارکت مردمی در ارتقاء زیبایی‌شناسی شهری. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، برلین.
- بوردیو، پ. (۱۳۹۳). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات نشر ثالث، تهران.

- بوردیو، پ. (۱۳۹۵). ساختارهای اجتماعی اقتصاد. ترجمه حسن چاوشیان، انتشارات موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران.
- بوردیو، پ. (۱۳۹۶). بوردیو برای معماران. ترجمه احسان حنیف، انتشارات فکر نو، تهران.
- پاکزاد، ج. (۱۳۸۳). پدیدارشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی و سیر تکوینی توقعات از آن. هنرهای زیبا، شماره ۱۴، صص ۶۲ - ۵۱.
- پورجعفر، م.، علوی بالمعنی، م. (۱۳۹۱). استخراج معیارهای هماهنگی و ناهمانگی نمای ساختمان با دستگاه بینایی انسان با توجه به اصول بوم‌شناسی بصری. انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره ۴، صص ۱۸ - ۵.
- پیربابایی، م.، ت.، سلطان‌زاده، م. (۱۳۹۴). مقدمه‌ای بر صورت‌بندی میدان معاصر ایران بر اساس نظریه میدان «بوردیو»، شماره ۱، صص ۸۴ - ۷۳.
- تراب‌زاده، ن. (۱۳۹۴). تناظر سرمایه و مصرف در معماری ساختمان‌های مسکونی تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.
- تیغ‌نورد، آ. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر به کارگیری عامل «نور» در طراحی سیمای کالبدی و نمای ساختمان‌ها در بدن‌های شهری بر ویژگی‌های ادراکی - رفتاری شهر و ندان. کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
- جلالی، د. (۱۳۸۸). آمار شهر: بررسی توان تولید و توان تهیه مسکن در بازار مسکن شهر تهران در دوره ۱۳۷۵-۸۷ - اقتصاد شهر، ۱(۴).
- جلودار کریمی، ا.، جهانبخش، ح. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء کیفیت و درک بهتر محیط باهدف دستیابی به مجموعه مسکونی ایده‌آل (نمونه موردی: منطقه ۲۲ تهران). سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، برلین.
- جم، ف.، عظمتی، ح. ر.، قنبران، ع.، صالح صدق‌پور، ب. (۱۳۹۸). شناسایی و دسته‌بندی الگوهای ذهنی معماران در قضایت زیبایی شناسانه نمای ساختمان‌های مسکونی آپارتمانی با کاربست تحلیل عامل Q. اندیشه معماری، شماره ۵، صص ۱۵۴ - ۱۴۱.
- حقوقی‌نیا، ن. (۱۳۹۴). علل تمایل شهروندان تهرانی به معماری و نمای کلاسیک (ئوکلاسیک) در دهه اخیر در تهران. کنفرانس ملی چالش‌های معاصر در معماری، منظر و شهرسازی، تهران.
- خاتمی، م.، بوجاری، پ. (۱۳۹۹). تحلیل چالش‌های نمای شهری تهران در سده اخیر. مدیریت شهری، شماره ۵۸، صص ۱۱۱ - ۹۱.
- خاک‌زند، م.، محمدی، م.، جم، ف.، آقابزرگی، ک. (۱۳۹۳). شناسایی عوامل مؤثر بر طراحی بدن‌های شهری با تأکید بر ابعاد زیبایی شناسی و زیستمحیطی. مطالعات شهری، شماره ۱۰، صص ۲۶ - ۱۵.
- دانایی‌فرد، ح.، مظفری‌ز. (۱۳۸۷). ارتقاء روابی و پایایی در پژوهش‌های کیفی مدیریتی: تأملی بر استراتژی‌های ممیزی پژوهشی.
- پژوهش‌های مدیریت؛ شماره اول، صص ۱۳۱ - ۱۶۲.
- رحمتی، م.، مرادی، س. (۱۳۸۹). توزیع اجتماعی الگوی مصرف. جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۱، صص ۳۲ - ۵.
- زکی، م.، ع. (۱۳۹۵). میراث فکری بوردیو در جامعه‌شناسی ایران. علوم اجتماعی، شماره ۱۰، صص ۲۳۵ - ۲۰۷.
- سجودی، ف.، نعمت‌گرانی، م. (۱۳۹۶). نقد اجتماعی سلیقه مشروع تماشاگران تئاتر تهران از منظر نظریه میدان پی‌یر بوردیو. پژوهش‌های تئاتر، شماره ۶۹، صص ۶۱ - ۴۰.
- شریعتی، س.، وطن‌خواه، ک. (۱۳۹۲). نحوه کاربرد نظریه میدان بوردیو در مطالعه معماری مدرن ایران (گفتار در جامعه‌شناسی هنر پی‌یر بوردیو). جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۲، صص ۲۵۷ - ۲۴۱.
- شهربازی، م.، یگانه، م.، بمانیان، م. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل کالبدی-فضایی مؤثر بر سرزنشگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی از دیدگاه طراحان و ساکنین، مورد مطالعاتی: مجتمع‌های مسکونی شهر تهران، آرمان شهر، دوره ۱۳، شماره ۳۰، صص ۱۱۷ - ۱۳۷.
- شیدانه مرید، م.، ع.، صارمی، ر. (۱۳۹۴). عدم هماهنگی نمای شهری در شهر تهران و راهکارهایی برای بهبود آن (نمونه موردی: خیابان استاد حسن بنا جنوبی (مجیدیه جنوبی)). کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط‌زیست، بروجرد.
- ظریف‌پور لنگرودی، آ.، البرزی، ف.، سهیلی، ج. (۱۳۹۹). تبیین نقش نمای شهری در ایجاد دلیستگی به مکان در بین شهروندان (نمونه موردی: نمای مسکونی شهر تهران). برنامه‌ریزی شهری، شماره پیاپی ۴۰، صص ۲۳۲ - ۲۱۷.
- عیوضی، ز.، باقری، ع.، آقابابایی، ا. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه‌شناسی مؤثر بر سلیقه مخاطب با توجه به طراحی گرافیک (مطالعه موردی: دستمال کاغذی). پژوهش هنر، شماره ۱۲، صص ۶۳ - ۵۳.
- کسری‌وی، ر. (۱۳۹۶). از زیبائشناسی تا زیبائشناسی نمای ساختمان‌های مسکونی منطقه ۱۷ شهرداری تهران. هنر و تمدن شرق، شماره ۱۸.

- گنجی، م، حیدریان، ا. (۱۳۹۳). سرمایه فرهنگی و اقتصاد فرهنگ با تاکید بر نظریه‌های پییر بوردیو و دیوید تراسبی، نشریه راهبرد، ۹۷ - ۲۲(۷۲)، صص ۷۷ - ۹۷.
- محمد حسینی، پ، جوان فروزنده، ع، جهانی دولت آباد، ا، حیدری، ع. ا. (۱۳۹۸). تحلیل نقش روش زندگی طبقات اجتماعی در الگوی مسکن نمونه موردی: خانه‌های اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی در اردبیل، باغ نظر، ۱۶(۷۶)، صص ۳۱ - ۴۴.
- مدنی‌پور، ع، امین‌زاده، ب، رضاییگی ثانی، ر. (۱۳۹۶). طراحی شهری، فضای جامعه، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- مستقیمی، ا. (۱۳۹۱). مفاهیم کلیدی بوردیو. علوم اجتماعی، شماره ۴۵، صص ۵۷ - ۴۸.
- معظمی، م، حجت، ع. (۱۳۹۶). ریشه‌های گستالت و گم‌گشتنگی فرهنگی در معماری معاصر ایران. آرمان شهر، شماره ۲۱، صص ۱۱۲ - ۱۰۳.
- مودتی، ش. (۱۳۹۲). بررسی ذاته معماری خانه در سیمای شهر تهران پس از انقلاب اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنرهای کاربردی، دانشگاه هنر، تهران.
- موید حکمت، ن. (۱۳۹۲). درآمدی بر رویکرد روش‌شناختی پی‌یر بوردیو به مفهوم سرمایه فرهنگی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱، صص ۱۵۵ - ۱۷۸.
- واضعی، م. (۱۳۹۱). تبیین راهکارهای ارتقاء هویت کالبدی در مؤلفه‌های منظر شهری (نمونه موردی: محور اصلی اسلام‌شهر، حدفاصل میدان نماز تا تقاطع با غ فیض). پایان‌نامه کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دیار شهید رجایی، تهران.
- Attia, S., Lioure, R. & Declau, Q. (2020). Future trends and main concepts of adaptive facade systems, *Energy Science and Engineering, Journal of Consumer Culture*, 5 (1), 23-42.
 - Crossley, N. (2001). *Habitus. Capital and Field: Embodiment in Bourdieu's Theory of Practice*. Chapter 6 in: The Social Body Habit. Identity and Desire. London: SAGE Publications Ltd.
 - Esmaili, F., Charehjoo, F., & Hoorijani, N. (2019). Analyzing and Evaluating Facades with a Special Approach to Visual Aesthetics Using the Grid Method (Case Study: Enqelab Street in Sanandaj), *Bagh-e Nazar*, 17(82), 69-84.
 - Bagheri, F., Navarro, I., & Redondo, E. (2020). Building Orientation in Green Façade Performance and Its Positive Effects on Urban Landscape Case Study: An Urban Block in Barcelona, *Sustainability*, 12(92), 1-19.
 - Barati, N., & Kakavand, E. (2013). Comparative Evaluation of the Environmental Quality Residential Place with an Emphasis on Citizens Image (Case Study: Qazvin City), *Honarhaye Ziba Journal*, 18(3), 25-32.
 - Berzano, L., & Genova, C. (2015). *Lifestyles and Social Position*, In: *Lifestyles and Subcultures: History and a New Perspective*. Routledge.
 - Bourdieu, P. (1987). *Distinction A Social Critique of the Judgment of Taste*, Routledge Press.
 - Calleri, C., Shtrepi, L., Armando, A., & Astolfi, A. (2018). Evaluation of the influence of building façade design on the acoustic characteristics and auditory perception of urban spaces, *Soundscapes of Buildings and Built Environments*, 25 (1), 77-95.
 - Campbell, C. (2005). The Craft Consumer: Culture, Craft and Consumption in a Postmodern Society in a postmodern society, *Journal of Consumer Culture*, 5(1), 23-42.
 - Hollander, J. B., & Anderson, E. C. (2020). The Impact of Urban Façade Quality on Affective Feelings, *Archnet-Ijar: International Journal of Architectural Research, Cambridge*, 14(2), 219-232.
 - Lefebvre, H. (2014). *Toward an architecture of enjoyment*, Edited by Lukasz Stanek I Translated by Robert Bononno.
 - Scruton, R. (2006). *Design and Aesthetics*. Edited by: Jeory Palmer and Mo Dodson. London: Routledge.
 - Veblen, T. (2016). *The Theory of the Leisure Class*. Random House. New York.
 - Yammiyavar, A. P., & Roy, M. (2019). *Influence of Visual Element in Building Facades in the Formation of Experiential Perception*. In *Research into Design for a Connected World* (pp. 301-314). Springer, Singapore.
 - Webster, H. (2017). *Bourdieu for Architects*, Routledge Press.

Architects 'understanding of citizens' style in the design of residential buildings' facades with emphasis on "Bourdieu's theory of distinction"

Hedieh Adeli, Department of Architecture; Central Tehran Branch; Islamic Azad University, Tehran, Iran

Behrouz Mansouri, Department of Architecture; Central Tehran Branch, Islamic Azad University; Tehran; Iran
(Beh.Mansouri@iautb.ac.ir)

Reza Afhami, Department of Art Research, Tarbiat Modares University; Tehran; Iran

Received: 2021/6/4

Accepted: 2021/9/11

Introduction: Social stratifications cause complex differences among the social strata, which we call "differentiation," following Pierre Bourdieu. As a result of these distinctions, different facades are designed in residential buildings, which affect the city's appearance. The variety of tastes in the design of residential facades by the citizens has caused heterogeneity in the urban landscape. It has created a lack of integration and continuity in the concepts related to architecture in the field of urban facades. This research explains the understanding of architects in facing the style of citizens in designing the facade of residential buildings based on Bourdieu's differentiation theory.

Methodology: The research method of this research is applied, qualitative in terms of purpose, and "interpretive" in terms of the "intention" of the research, and it tries to answer these questions: "What factors influence the formation of employer and consumer's style in production and has the symbolic consumption of housing in Tehran been influential from 2005 to 2019? What is the understanding of architects on the basis of consumers' tastes in the design of residential facades from 2005 to 2019?" In explaining research variables, individuals' cultural capital and economic capital are defined as independent variables, and the architect's consumption pattern is defined as the dependent variable.

In this research, using interviews with experts, indicators and variables that effectively explain the architects' role in facing the style of Tehran citizens regarding residential architecture were extracted from the text of the interviews. The "logic" of the research is "inductive," and the method of analyzing the data also includes open coding and axial coding.

Results: This research shows that the opinion of most Iranian architects about the concept of "citizen's style in residential buildings" can be divided into four forms: "building structure," "facade compatibility with climate," "façade compatibility with building function" and "visual beauty." The consumption pattern is influenced by two general categories: "economic capital" and "cultural capital".

Conclusion: People's style is an essential factor in the quality of facades of residential buildings and, accordingly, the city's appearance. As Bourdieu mentioned, views are the link between construction companies and architects. Considering that the appearance and body of residential buildings are the result of the mastery of the aesthetic criteria of people; therefore, the style change in residential architecture shows itself in the form of the change of "dominant" style in each period. In general, it can be said that the mastery of a style has a direct relationship with the supply and demand relationship.

Keywords: Style, facade, residential buildings, Bourdieu's theory of distinction.